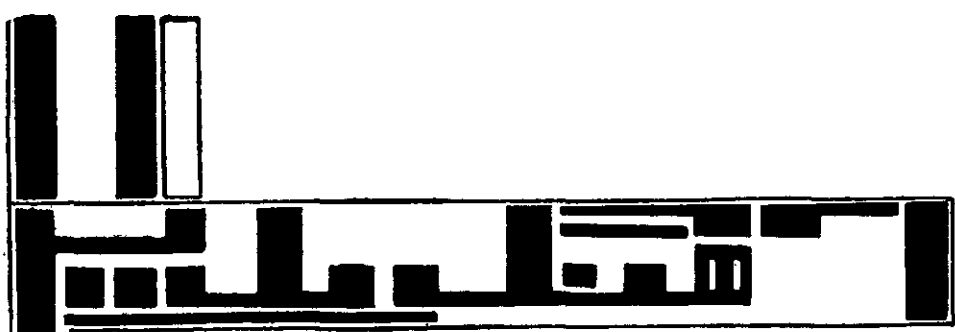


*Handwritten scribble*

ff  
1. - 9



*Handwritten scribble*



# آفتاب

مخصوص جامعه تبانی است

اجباراً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند و حضرت عبداللہ

شماره ۱ و ۱۰ سال ۲۰

شهرامول شهرالسائل شهرالشرف ۱۲۲ بزم  
آزردی ۱۳۴۴ شمسی  
دسامبر ۶۵ و ژانویه ۱۹۶۶ میلادی

شماره مسلسل ۲۲۵ و ۲۲۶

## فہرست مندرجات

صفحہ

—	( دکترباھر فرقانی )	۱۔ لوح مبارک
۳۴۳	( دکترباھر فرقانی )	۲۔ موقعیت تاریخی نسل حاضر
۳۵۰	( دکترباھر فرقانی )	۳۔ ایادی امراللہ جناب روی و پیلہلم
۳۵۶	( عزیزاللہ مصباح )	۴۔ شعر ( شرح عشق )
۳۵۸	( کمال الدین بخت آور )	۵۔ صلح جاوید
۳۶۳	( نصرت اللہ محمد حسینی )	۶۔ تاریخ اجمالی دیانت اسلام
۳۶۷	( ترجمہ علاءالدین قدس )	۷۔ نامہ ای از جناب ابوالفضائل
۳۷۰	( ذکائی بیضائی )	۸۔ شعر
۳۷۱	( امة اللہ لیلی خانم )	۹۔ شعر ( آرزو )
۳۷۹		۱۰۔ قسمت نوجوانان

عکس روی جلد : نمای جنگ کاجی کہ حضرت بہا اللہ در آن بہ تفکرو تأمل میبرد اختند .

بسم خداوندگار  
بسم خداوندگار

قلم حسن قاصدان این عرفان را بدین ادکار خودت نگه میدار که شاید گل از خواشمنهای خود بگذرند و با ما را و  
ناظر باشند و بار آورده او حرکت نمایند و این فضل اعظم است از برای گل اگر بیایند و بان فائز شوند کسی نبوده و نیست  
که آنچه را حق باین امر می فرماید دست کثور حیوان و محمی ابدان چه که لم یزل و لایزال با جابهای خود ناظر بوده و آنچه سبب  
نجات و راحت و وصول حق بوده کل را بآن افسر نموده الیوم بر کل لازم است که بردای تعدیس و تنزیه برین  
شوند چه که نفوسی که بشیبات نفسانیة موجودند قابل مفرطه و لاین تمیز که بر نبوده و نیستند حق لم یزل بر عرش  
توحید شرف و از برای او شبه و ندی نبوده و نیست و الله بعنایه الله کل باین مقام فائز شوند و از دانش  
منقطع و از یاد گردند الیوم بر شما لازم که بخدمت امر قیام ننمایید و باستقامت تمام ظاهر باشید ثانی که کلمات  
مؤمنین شمار از رب العالمین منع نماید پس در افغانی دانید و بر عین مستقیم مانید نیکی است حال نفوسی که  
الیوم کور عرفان را از دست عطای حضرت رحمن آسائیدند ایشانند فضل ناس و استقیمم و او بهم الی  
حمد کنید محبوب عالم را که بخش فائزید و بگذریش مطلق از او بخواهید که شمار ایشان مستقیم نماید که احدی قادر  
بر منع نباشد البهائیکم یا اجاباتی.

# موقعیت تاریخی نسل حاضر



دکتر باهر فرقانی



معمولا وقتی صحبت از تاریخ میشود افکار مابیه واقعه خاصی که در سنه معینی اتفاق افتاده معطوف میگردد در حالیکه حوادث تاریخی که در دوران معینی از تاریخ واقع و در صفحات تاریخ ثبت میشوند نماینده رشد و نمو جامعه انسانی هستند. تاریخ عالم بشری داستان رشد و تکامل عالم انسانی و مبین جنبش های بشری در طی مراحل مختلفه تکاملی میباشد نکته جالب اینکه این تکامل نیز در سیر تاریخ یکسان و یکنواخت نبوده و در تمام اطراف و اکناف عالم همزمان با یکدیگر انجام نگرفته است. در قرون قدیمه مدنیت های عظیمه ای موجود بوده اند که با تمدن عصر حاضر برابروحتی بعقیده بعضی بر آن برتری داشته اند بهمین جهت وقتی از تکامل انسان از مرحله ای به مرحله دیگر سخن میگوئیم مقصد این نیست که تمام جوامع بشری در زمان واحد دستخوش چنین تفسیراتی گردیده اند. حال این سوء ال پیش میآید که اصولا چرا این پیشرفت حاصل میشود؟ چرا این پیشرفت و تکامل در زمان های متفاوت و در قسمتهای مختلفه دنیا حادث میگردد؟ با جواب باین دو سوء ال میتوانیم موقعیت دنیای قرن بیستم را درک نمائیم.

برای جواب دادن سوء ال اول باید توجیهی که دیانت بهائی در بیان هدف تاریخ پاهداف خلقت ( اگر تاریخ را داستان تحقق این هدف بدانیم ) میکند توجه نمائیم. تاریخ بر خلاف آنچه که تصور میشود صرفا داستان مبارزات و ستیزه جوئیهای دستجات مختلفه متنازعه نبوده بلکه سیر پیشرفت عالم

---

(۱) ترجمه و تلخیص از کتاب The Renewal Of Civilization تألیف جناب داوید هوفمن (David Hofman)

## آهنگ بدیع

" این همان روز موعود است " آن حضرت صراحتاً اعلام میفرمایند که آن روئی که در طی قرون و اعصار طولانی مکتوم و محفوظ مانده روئی که یای کا ملا صادق بوده و حال آن هدف تاریخی در شرف تحقق و حصول است .

البته این هدف يك هدف نهائی نبوده بلکه در حقیقت مقدمه و طلیعه نیل به هدف عالیتری است . این هدف عالی اخوت جهانی یا نظم بدیع دنیائی است و نظم بدیع دنیائی نیز جلوه صوری حلول قرن بدیع انسانی است . همچنانکه درخت در مرحله میوه و ثمر طولانی ترین و مفیدترین مرحله از حیات نباتی خود را میگذراند نوع انسان نیز در حال حاضر که بمرحله بلوغ وارد میگردد در آستانه طولانی ترین و مشعشع ترین عصر حیاسات خویش واقع شده است .

استقرار این نظم بدیع جهانی در عالم بقوه سحر و جادو نبوده بلکه با تحولات سخت و دردناکی که همواره ملازم انتقال از مرحله جوانی بمرحله بلوغ است همراه میباشد . ما اکنون در این مرحله استحاله و انتقال قرار گرفته ایم .

این مرحله ناهموار و طی آن دردناک است زیرا نوع انسان نیز مانند اکثر جوانانی که بدوره بلوغ وارد میشوند هنوز پای بند هیجانات احساسات و تعصبات و سهل انگاریهای ایام جوانی است در حالیکه قوای معنوی میکوشند تا به حد اعلائی استعدادات مودعه و نهانی خود برسند .

بنابراین تاریخ از نظر ما عبارت از سیر طبیعی

بشری بسوی يك هدف معین میباشد . در آثار شعرا و ادبا و فلاسفه شواهد زیادی در اثبات این حقیقت موجود است . کانت در اثر معروف خود تحت عنوان " صلح ابدی " چنین نوشته است :  
" تاریخ بشریت وقتی بطور کلی مطالعه شود عبارت است از تحقق يك نقشه نهانی طبیعت که هدف آن بوجود آوردن يك تأسیس سیاسی است که از لحاظ صوری و معنوی کامل بوده و در ظل آن کلیه استعدادات مودعه در نوع انسانی بتوانند بطور کامل پرورش یافته مورد استفاده قرار گیرند ."  
" . . . تحقق يك نقشه نهانی . اینست معنی و مفهوم واقعی تاریخ عیناً همچنانکه رشد يسك درخت تحقق طرحی است که در درون دانه نهفته است و منتهی به تولید میوه میشود تاریخ جامعه انسانی نیز تحقق نقشه ایست که در سرشت ذاتی انسان مکنون و اثرات مهمه بر آن مترتب و مقدر است ."

عالم انسانی هزاران سال در اشتیاق و انتظار روزی بوده که در آن مردم شمشیرهای خود را به گاو آهن تبدیل نمایند . زمانی که معرفت الهی سراسر کره ارض را احاطه نماید و بالاخره هنگامی که ملکوت الهی بر روی زمین استوار و اخوت حقیقی در بین ابناء بشر مستقر گردد .

عبارت " ملکوت تو بیاید " که نص انجیل است زمانی يك ندای حقیقی و اطمینان بخش بود . اکنون که عملاً مفهوم این بیان تغییر یافته است پیام مهیمن حضرت بها<sup>۱</sup> الله بگوش میرسد که میفرمایند :

بسوی رشد و کمال است که انسان را چه بصورت فردی و چه بصورت اجتماعی بمرحله بلوغ هدایت نموده بوی فرصت میدهد تا بتواند استعداد های نهانی خود را بطور کامل بمنصه ظهور و بروز رساند . همان استعدادات و قوای مکتونه که از نظر فردی انسان را بصورت و مثال الهی تبدیل و از نظر اجتماعی موجبات "استقرار ملکوت الهی را بر روی زمین" فراهم میسازند .

حال بسوءال دوم میرسیم : چرا تمدنها در زمانهای متفاوت و در نقاط مختلفه دنیا ظاهر میشوند و چرا این مدنیتها پس از مدتی دچار سقوط و نابودی میگرددند ؟

فرضیه برتری نژادی که منشاء آن خود پرستی است در نتیجه تحقیق و مطالعه با شکست مواجه شده است . فرضیه عوامل مخصوص محیطی نیز برای این مسأله را نمیتواند جواب گوید لهذا باید برای پیداکردن جواب دنبال عامل دیگری بگردیم .

بشهادت دانش امروزی جامعه یعنی زندگی بصورت دسته جمعی حتی در دوران قبل از تاریخ هم وجود داشته . این حقیقت با تعالیم حضرت بهاءالله و آیات سفر تکوین کتاب تورات نیز موافقت دارد .

جامعه برای انسان ضروری است و در او همان تأثیر را دارد که خاک بردانه دارد . جامعه محیط لازم را برای رشد و نمو فراهم میکند . قوای مکتونه را بشکل تازه ظاهر میسازد و یک زمینیه \*

دائمی برای رشد مهیا میسازد . در طبیعت این دوره های تجدید حیات بطور مرتب و در اثر عاظمی که کاملاً از خاک و دانه متمایر است واقع میشوند بعبارت دیگر در اثر سطوع لایزالی خورشید فصول سال بطور مرتب و متناسب فرامیرسند . در عالم انسانی نیز عیناً همینطور است انسان بفرزده دانه و اجتماع بمغابه خاک است ولی خورشید کدام است ؟

حضرت بهاءالله به صراحت و به کرات میفرمایند که این خورشیدی که بر قلوب و ارواح انسان میتابد و حیات تازه بروح وی منی بخشد دیانت است . تابش این شمس معنوی همان طور که در مورد آفتاب ظاهری مشهود است ممکن است قوی و حیات بخش باشد یا ضعیف و خفیف ولی در هر دو حال حالت اجتماع وابسته و منوط به آنست .

این اصل صعود و نزول در کلیه اشیا صادق و حاکم است رشد و بلوغ انسان نیز از این اصل مستثنی نمیشد . انسان از حالت سستی و رخوت به فعالیت دائمی و روحی رهبری میشود و بعد دوباره به حالت استراحت میگراید و سپس مجدداً بیدار میشود و کوشش و فعالیت را از سر بیگیرد . مدنیت نیز در دنباله ظلمت و تاریکی معنوی ظاهر میشود بعد بطرف سقوط میرود و باز تجدید حیات می یابد . تجدید حیات و فعالیت در عالم انسانی با ظهور متتابع نفوس مقدسه ای که از طرف ذات پروردگار جهت تحقق همین منظور مبعوث و بقوای الهیه مستظهرند انجام میگردد . این

## آهنگ بدیع

ظواهر میشوند ولی کل به نیروی واحدی مستظهرند  
و هدف واحدی را دنبال میکنند .

عینا همانطور که تجدید فصول در عالم طبیعت  
منوط به وجود آفتاب است تجدید مدنیت نیز وابسته  
به ظهور شمس مقدسه الهیه میباشد . اینجاست  
که رمز صعود و نزول تمدنها نهفته است . ظهور  
مظهر الهی بمنزله ضریان قلب در جامعه انسانی  
و بشابه نیروئی است که نبض عالم انسان را نباض  
میسازد . این همان اصلی است که در مورد جزر  
و مد در باره خواب و بیداری و در مورد تابستان  
و زمستان حکم فرماست .

بر طبق نصوص و آثار مبارکه حضرت بهاء الله  
گرچه ظهور این مظاهر مقدسه تقریباً هر هزار سال  
یکبار واقع میشود ولیکن محدود بوقت و زمان معینی  
نبوده بلکه باوضاع و احوال اجتماعی بستگی دارد  
وقتی عالم بشر به تاریکترین روزهای زمستان مدنیت  
خود رسید خورشید تازه ای از افق عالم ظاهر  
میشود ابتدا بآرامی حرارت و ضیاء می بخشند  
سپس باوج نصف النهار خود میرسد و بالاخره  
در طرف دیگر افق افول مینماید در حالیکه خاطرات  
یک روز بزرگ و اثرات یک رشد سریع را از خود  
بیادگار گذاشته است چه هر بار که این جنبش  
روحانی در عالم انسانی تجدید میشود بشریت  
را در سیر ترقی و تکامل خود یک قدم فراتر میبرد .

بخاطر بیاورید زمانی را که عزت یهود سپری  
گردید و عظمت آن بعلت حدوث خرافات و مناقشات  
بزوال گرائید . بیاد آرید هنگامی را که شکوه و جلال

نفوس مقدسه که به لباس بشری ظاهر و لسی در  
حقیقت در مقامی عالی تر واقع اند فی الحقیقه  
قهرمانان اصلی و حقیقی تاریخ بشمار میروند . این  
نفوس مبارکه هستند که موجد اصلی پیشرفت بشریت  
و تنویر افکار و الهام بخش ترقی و تکامل در عالم  
انسانی میباشند . این نفوس مقدسه شارعین ادیان  
و مؤسّمین تمدنهای روحانی هستند . مدنیست  
مسیحی بر اساس تعالیم روحانی حضرت مسیح  
تأسیس گردید . تمدن اسلامی در اثر ظهور حضرت  
محمد آغاز شد . تمدن یهود که همچون سلیمان  
را با آن همه حشمت و جلال بوجود آورد در نتیجه  
ظهور حضرت موسی مستقر گردید . ظهور حضرت  
زردشت موجب بروز قوای روحانیه ای شد که بصورت  
عظمت دوران کوروش و داریوش در ایران تظاهر  
نمود . ظهور بودا و برهما نیز قوای بوجود آورده  
که توانست ملیونها نفر از نفوس غیر متهدنه شرق  
را در ظل یک رشته تعالیم اخلاقی متحد و مؤتلف  
سازد .

این حقیقت که تمدن در هر عصر و زمانی نتیجه و  
ثمره ظهور شارعین ادیان الهیه میباشد یکی از  
حقایق مسلمی است که متأسفانه اهمیت آن بسر  
بسیاری از نفوس پوشیده است . حضرت بهاء الله  
این حقیقت را تأیید فرموده برده از روی نقشه  
تاریخی الهی که تحقق هدف نهائی و مقصد غائی  
از ظهور مظاهر مقدسه الهیه بوده برداشته اند .  
این مظاهر مقدسه فی الحقیقه شمس روحانیه ای  
هستند که گرچه در اعصار مختلفه و باسامی متنوعه

یونان تمامی پذیرفت و بالاخره ایامی را که شست  
 آهنین مردم رزم بر سر نوشت جهان حاکم و مستولی  
 بود. در آن ایام احتیاج بیک ظهور جدید که  
 بتواند بشریت را از چنان دوران تاریکی سخت  
 و طولانی نجات بخشد شدیداً محسوس بود. در  
 چنان زمانی حضرت عیسی شمس مسیحائی از افق  
 عالم درخشید و بدون استعانت از قوای مادیسه  
 چنان روح خلوص و شور و اشتیاقی در میان مثنی  
 از نفوس فقیر و عامی دید که آنان را بر ارباب  
 تمدن زمان حاکم و غالب گردانید. همین روح قدسی  
 بود که نور تمدن را در دوره انحطاط روم حفظ  
 کرد و بالاخره از طریق قنسطنطین کبیر ظاهر  
 نیز بر عالم مسلط گردید.

مقارن قرن هفتم میلادی مدینت موجوده مجدداً  
 به انحطاط گرائید و قرون تیره و تاریک بر اروپا  
 سایه افکند در چنین زمانی حضرت محمد ظهور  
 فرمود. در آن زمان قوم عرب مرکب از قبائل پراکنده  
 بود که در دریای توحش نادانی و بیگانگی مستغرق  
 بودند و اوقات و مساعی خود را دائماً مصروف  
 جنگهای داخلی و قبیله ای مینمودند این قبائل  
 تماماً به بت پرستی متمسک و نظام اجتماعی بسیار  
 ساده و ناقصی داشتند. شصت سال پس از  
 ظهور حضرت رسول اکرم همین طوایف و قبائل به  
 ملتی واحد و قوی تبدیل شده در ظل اصل اخوت  
 اسلامی مدینت مرقی پیشرفته ای تأسیس نمودند  
 بخداوند واحد مو من شدند و تورات و انجیل  
 را نیز مصدق گشتند. مقام نسوان را بالا بردند

و نظم اجتماعی نیرومندی تأسیس نمودند در علوم  
 عصریه مانند باب ریاضیات و نجوم نیز سرآمد  
 اقران شدند در حالیکه در همین زمان مسیحیان  
 برای درمان بیماران خود به سحر و جادوی کشیشان  
 متوسل میگرددند. دانشندان اسلامی سیستم  
 جدید اعداد را که بدون آن محاسبات دنیای  
 امروزی غیر ممکن بود ابداع نمودند و فن معماری  
 بدیعی بوجود آوردند که بازبیاثرین آثار معماری  
 جهان برابری میکرد. فرهنگ اسلامی از غرب تا  
 اسپانیا و از شرق تا هندوستان کشیده شد و بغداد  
 نه فقط از نظر اقتصادی بلکه از لحاظ علمی و هنری  
 نیز مرکز جهان آن روزی گردید. قبایل و ملل  
 متعدده ای مانند عربها، ترکها، هندوها  
 مصریان، مغربان (مراکشیها) و ایرانیان در ظل  
 مدینت و اخوت اسلامی درآمدند. علوم و فلسفه  
 یونان را که مسیحیان در محو آنها می کوشیدند  
 حفاظت و حمایت نموده معارف کلاسیک زمان را  
 تکمیل و تنویر و از طریق دارالفنونهای خود مانند  
 دارالعلم کورد و (۱) و بوسیله صلیبیون و تجار به  
 دنیای غرب منتقل و حیات تازه ای در عالم مسیحیت  
 میدند که به رنسانس معروف گردید و تمدن  
 امروزی مانیز از آن تجدید حیات ناشی گردیده  
 است.

این چنین نقشه الهی تحقق یافت و این  
 چنین نفوس خواب آلود بیدار شدند.  
 حضرت عبدالبها در این باره چنین میفرمایند:  
 " . . . همچنین مظهر مقدس ربانی که



## آهنگ بدیع

آفتاب عالم آفرینش است چون تجلی بر عالم ارواح و افکار و قلوب نماید بهار روحانی آید و حیات جدید رخ بگشاید قوه ربیع بدیع ظاهر گردد و موهبت عجیب مشهود شود چنانچه ملاحظه می‌نمائید که در ظهور هر یک از مظاهر الهیه در عالم عقول و افکار و ارواح ترقی عجیبی حاصل شده (۱)۰۰۰

در اثر تناوب این فصول روحانی است که بشریت استعدادات مکنونه در خود را بتدریج ظاهری و آشکار میسازد .

کلیه ملل تمدنه عالم تحت تأثیر این فصول روحانی قرار گرفته اند منتهی این تأثیر در بعضی مسواری مستقیم و در برخی دیگر غیر مستقیم انجام گرفته است مثلاً ظهور حضرت مسیح بطور مستقیم در ملل اروپائی تأثیر نمود ولی ظهور حضرت رسول اکرم بطور غیر مستقیم مسیحیت ریزوال را تحت تأثیر قرار داده موجب تجدید آن در اروپا گردید .

توسعه مدنیت های گذشته بناچار بمناطق مخصوصه ای محدود بوده چه که وسعت دامنه اختراعات و اکتشافات به پایه امروز نبوده است قسمتهای مختلفه دنیا هنوز مورد شناسائی قرار نگرفته وحدت دنیا غیر ممکن و محال بوده و اقیانوسها سلسله کوهها و دشتها و صحراها چون سدهای عظیمی ملل عالم را از هم جدا می نمودند .

طبق تعلیمات اساسی حضرت بهاء الله ظهور ادیان مقدسه الهیه مطابق شرایط و مقتضیات زمان انجام می گیرد حقایق الهیه البته در ازمینه

مختلفه بوسیله مظاهر مقدسه الهیه بر عالم انسانی تجلی نموده ولی این تجلی بر حسب احتیاجات شرایط و استعداد موجوده در آن عصر و زمان بوده است . دنیای امروز نیازمند ظهور دیگری است که پیامش عمومی و جهانی بسوده بتواند بقدرت الهی در بین احزاب متباغضه متخالفه عالم صلح و آشتی ایجاد نماید .

حضرت بهاء الله برای حل این مشکل و رفع این احتیاج مبعوث شده اند آن حضرت "مرکز انوار" این روز فیروز است که از آن روح جدید و نظم بدیعی ساطع و عالم انسانی را در سیر تکاملی روحانی خود یک مرحله دیگر به پیش میبرد پیام آن حضرت عمومی و جهانی است و اختصاص و انحصار به ملت یا مملکت معین ندارد . تعالیم روحانیش صدق و موید کلیه ظهورات قبلی و موه سسات اداریش هادی و راهنمای فعالیت های فردی از یک طرف و امور جهانی از طرف دیگر میباشد .

با ظهور حضرت بهاء الله روز موعود فرا رسیده است . همان روزی که در آثار مقدسه الهیه به "یوم الله" تعبیر و اهل عالم در طی قرون و اعصار مشتاقانه در انتظار حلول آن بوده اند همان روزی که موعود کلیه کتب مقدسه و صحف الهیه میباشد .

ملاحظه تاریخ نیم قرن گذشته نشان میدهد که ترقیات عظیمه حاصله در علم و دانش با

تنزل فاحشی در موازین و ارزشهای اخلاقی توأم و قرین بوده است به حدی که مادر این دوره آمادگی لازم برای اداره و حسن استفاده از قوای عظیمه که در اختیار داریم در خود نمی بینیم و در نتیجه این قوای مهیبه در جهت انعدام عالم بشری بکار برده میشوند .

تاریخ باز تکرار میشود فصل جدیدی دوباره آغاز میگردد بهار روحانی که در آن شدت سرمای زمستان در برابر آفتاب عالم تاب بزانو در میآید فرا میرسد وقایع مدعش تاریخی مانند انهدام اورشلیم از ضحلال روم و سقوط آشور گوئی بکمک نیروی مخربه نوین آنها در یسک صحنه جهانی در حال تجدید میباشند — خواهستهای اقطاع نشده ملی نیز هزاران بار بر قدرت و شدت آنها می افزایند ولی هر چه هست از مقتضیات همان بهار روحانی است که امروزه عالم انسانی را فرا گرفته است بعبارت دیگر این بهار نشانه زوال تقالید و سنن فرسوده قدیمی است که از جمله آنها میتوان اختلافات جنسی و تعصبات مفرطه ملی را نام برد .

در بحبوحه این اغتشاشات و این انقلابات امر بهائی بصورت حصین و دژ غیر قابل تسخیری برپای ایستاده است قلعه ای که طوفان مخاصمات بشری از در هم شکستن آن عاجز و قاصر است قلعه ای که هر فردی نمیتواند بسا روحی جدید و حیاتی تاز و بدون بیم از هیاهو و جار و جنجال های عالم خارج در آن مأوی

گزیده با احساس تابعیت جهانی و بر طبق اصول بدیعه الهی در آن زندگی و خدمت نماید . بدین ترتیب امر بهائی که در بعضی ممالک قوی و در برخی دیگر ضعیف است در بعضی نقاط در مرحله مقهوریت و در برخی دیگر در حال مجهولیت است و بطور کلی از نظر تعداد و وسائل و امکانات محدود میباشد بخدمت عالم انسانی قیام کرده است .

در عالم انسانی چه از نظر روحانی و چه از نظر علمی استعداد و قابلیت لازم جهت تأسیس نظم اجتماعی عالی تری موجود است . دانشه این نظم اجتماعی گرچه ممکن است از نظر شکل ظاهری به حدود کره ارض و یا بعبارت دیگر به يك نظم جهانی محدود و منتهی شود ولی تکامل داخلی و معنوی آن نامحدود خواهد بود .

بنابراین مفهوم واقعی تاریخ در همان حقیقت اشیا نهفته است و فی الواقع عبارت از تحقق استعدادها و قابلیت های باطنی مودعه در انسان میباشد همچنانکه بشهر رسیدن يك درخت تحقق استعدادهای نهانی است که در دانه موجود است این يك جریان طبیعی است که در اثر ظهور مظاهر مقدسه الهیه در عالم انسان مشهود گردیده و میگردد .

جامعه بشری در حال حاضر مرحله خانوادگی قبیله ای شهری و ملی را پشت سر گذاشته و به مرحله بزرگتر و مهمتری که مدنیت جهانی باشد وارد میگردد . این امتیاز اصلی و بی سابقه عصر

# ایادی امرالله جناب روی ویلهلم



محمود مجذوب



جناب روی ویلهلم ایادی  
امرالله

" از صعود روی ویلهلم منادی عالیقدر و بسیار محبوب و قابل تحسین امر حضرت بهاء الله قلب مملو از حزن و الم است . خدمات برجسته او زینت بخش صفحات تاریخ آخرین سنوات عصر رسولی و سنوات اولیه عصر تکوین امرالله بوده خصائل عالیه اش باعث محبوبیت او در نزد مولایش حضرت عبدالبهاء گردیده . تقدیس و تنزیه و ایمان راسخ و خدمات برجسته محلی و ملی و بین المللی و همچنین فداکاری بی شیل و نظیرش او را لایق احراز مقام ایادی امرالله ساخته و البته به اجر ابدی در ملکوت ابهی مأجور خواهد بود . توصیه میشود محفل تذکری که شایسته خدمات فراموش نشدنی و مقام ارجمندش باشد در مشرق الازکار منعقد نمایند ."

امضاء مبارک شوقی

در تاریخ امر مقدس بهائی جناب روی ویلهلم در نیمه اول قرن بیستم مقام شامخی را احراز کرده است . قدرت ایمان و خلوص و جانفشانی در خدمت و بالاخره فعالیت مداوم و خستگی ناپذیرش این موهبت را به او عنایت نمود که کمک و مساعدت بی نظیری در استقرار امر الهی در امریکای شمالی و بطور غیر مستقیم در سایر قارات عالم از طریق همکاری بی شائبه با فخر المبلغین و المبلغات حضرت میس مارناروت و همچنین بوسیله تکثیر و توزیع آثار بهائی بالسنه مختلفه بنماید . جناب روی ویلهلم با خضوع و خشوع فطری مسؤولیت هسا و

وظائف خطیری را در مؤسسات اداری امرالله بسر عهده میگرفت و این وظائف را با چنان جذب و شوقی انجام میداد که او را محبوب القلوب عموم یاران نموده بود. روی ویلهلم قبل از هر چیز فردی کامل و جامع و دارای حیات بهائی بود که موازین عالییه فضائل و کمالات بهائی را قبل از اینکه آنها را به دیگران توصیه کند خود عامل بود.

مشارالیه در ۱۷ سپتامبر سال ۱۸۷۵ در ایالت

اوهایو (Ohio) متولد و سپس باتفاق والدین خود در انگل ود غربی (West-Englewood) واقع در ایالت نیوجرسی (New Jersey) مستقر و شرکت وارداتی خود را در شهر نیویورک تأسیس نمود. جناب روی ویلهلم تا سالهای آخر حیات خود اداره شرکت مذکور را بکمال جدیت بر عهده داشت. در همین محل متعلق به جناب روی ویلهلم بود که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۲ در ضمن مسافرتهای تبلیغی و تشویقی خود به قاره امریک یک ضیافت وحدت و اتحاد با حضور احبای شهر نیویورک و اطراف آن منعقد و در حلقه مزبور اعلام فرمودند که در آن تاریخ امر مبارک حضرت بهاء الله فی الحقیقه در قاره امریک تمکن و استقرار یافته است. در شهر نیویورک عده ای از یاران الهی از سال ۱۹۰۰ ببعده بدور هم اجتماع کرده و جلساتی تشکیل میدادند یکی از شرکت کنندگان در این جلسات سالها بعد در باره جلسات مذکور چنین مینویسد: "جلسات منعقده فوق العاده

جالب و مملو از شور و هیجان بود و همه افراد مسرور و شادمان بنظر میرسیدند و میتوان گفت که یک نوع استعداد و رشد روحانی و معنوی بطور محسوس وجود داشت هر چند که اطلاعات ما از تعالیم و مبادی آئین بهائی بسیار محدود بود. هر یک از اعضا بدون استثنا اشتیاق فراوان و صمیمانه ای داشت که بهر طریقی که میتواند به امر مبارک خدمت نماید. جناب روی ویلهلم بطور مرتب و منظم در این جلسات حضور مییافتند...

در آن اوقات کتب و آثار موجوده بهائی بسیار اندک و محدود بود و نسخه های از ادعیه و الواح مبارکه تهیه شده بین یاران توزیع میشد. جناب روی ویلهلم اولین کسی بود که داوطلبانه و از روی میل و علاقه شخصی کوشش و اهتمام نمود تا آثار و نصوص مبارکه پیشتر و به قیاس وسیعتر در اختیار عموم احباء گذارده شود. تألیفات ایشان که حاوی نصوص و آثار مبارکه بود متوالیا به تعدادی از السنه دیگر ترجمه شده و همچنین مورد استفاده کامل و موثر در جلسات تبلیغی و کنفرانسهای عمومی که روز به روز بر تعداد آنها در ایالات مختلفه افزوده میشد قرار میگرفت.

همچنین این خادم وفادار آستان الهی در طول حیات خود به خدمت عظیم و شایان دیگری توفیق یافت و آن عبارت از چاپ و توزیع صدها جزوه کوچک تبلیغی در سراسر ایالات متحده بود

## آهنگ بدیع

بعلاوه آگهی های تجارتي مشارالیه در روزنامه ها و مجلات تجاری و اقتصادی مورد توجه خوانندگان قرار میگرفت و سبب آشنائی آنان با تعالیم مبارکه میشد زیرا در هر يك از آنها یکی دو سطر از نصوص مبارکه چاپ میشد .

مطالب بسیار میتوان در باره مسافرتها ی تشویقی جناب روی ویلهلم و ملاقات ایشان با یاران الهی در سرتاسر ایالات متحده امریکاکه ضمن سفرها و فعالیت های تجارتي مشارالیه انجام میگرفت نگاشت . ایشان در این مسافرتها نبأ عظیم را به تعداد بیشماری از متحریران حقیقت ابلاغ و اشتیاقی به خدمت را در قلوب یاران ایجاد مینمودند . یکی از معاصرین جناب روی ویلهلم در خصوص مسافرتها ی ایشان چنین مینگارد :

" احبای الهی در هر نقطه از نقاط امریه مشتاقانه در انتظار ورود و ملاقات ایشان بودند و قبل از ورودشان انعقاد جلساتی را پیش بینی میکردند " سال ۱۹۰۷ حادثه و مرحله بسیار مهمی را در دوران تکوین حیات بهائی روی ویلهلم مشخص میکند . در اپریل سال مزبور مشارالیه به همراه مادر خود بقصد زیارت و تشریف به آستان مبارک حضرت مولی الوری عازم اراضی مقدسه گردید کلماتی که از فم مظهر مرکز میثاق صادر و حاکی از سرور قلب همیکل مبارک و حسن استقبال و اظهار خوش آمد نسبت به روی ویلهلم بود بعضی ترجمه بانگلیسی بلافاصله بوسیله مشارالیه نوشته شده و سپس

ضمن نامه ای که بدوست بهائی خود امه اللسه میسیس ماریان هانی Mrs. Marian Haney ارسال داشته بشرح ذیل منعکس گردیده است " خوش آمدید . خفیلی خوش آمدید . مسن منتظر آمدن شما بودم . الحمدلله که تأییدات الهی شامل شد و شما به مدینه عکا رسیدید . . . شما نماینده عموم احبای امریک هستید . . . شکر خدا را که آمدید " . (ترجمه )

سال بعد جناب روی ویلهلم جزوه کوچکی تهیه و منتشر نمود که در آن داستان زیارت و تشریف خود را شرح داده بود و نام این جزوه را " بگویند که برای شما گشوده خواهد شد . " ( انجیل مسی ۷-۷ ) گذارده و در پشت جلد آن عکسی از در ورودی بیت مبارک حضرت عبدالبها چاپ شده بود . در این جزوه از جمله مطالب ذیل مسطور است :

" چیزی که زائرین را در سجن عکا فوق العاده تحت تأثیر قرار میدهد همانا وجود روح فداکاری و از خود گذشتگی است در هیچ جای دیگر شاهد چنین عشق و محبت و چنین هم آهنگی کامل نبوده ام اشتیاق قلبی هر يك از مسجونین خدمت و عبودیت نسبت بیکدیگر است ما افراد غربی که از آزادی برخورداریم باشکال میتوانیم تعصب و نفرت و دشمنی شدیدی را که در شرق بیمن بیروان مذاهب مختلفه وجود دارد درک کنیم فی المثل يك نفر مسلمان و یکنفر یهودی از اینکه با

## آهنگ بدیع

تناول نمائید حالا از شما میخواهم که نان مرا در میان مردم توزیع کنید ."

حضرت عبدالبهاء در حالی که محکوم به ظلم و جنای حکومت و تا سال ۱۹۰۸ در قید حبس و زندان بودند در داخل تیزمورد حمله و هجوم جمعی از نفوس سست عنصر و غیر مخلص از ستگان و نزدیکان مبارک واقع گردیدند و این دشمنان داخلی سعی فراوان نمودند تا اساس عدم اطاعت و وفاداری نسبت به مرجع مخصوص را در شرق و غرب عالم بهائی بنیان گذارند . هم عنان بسا سایر نفوس شجیعہ را سخیه بر عهد و میثاق جناب روی ویلهم به کرات در مقابل مشاجرات و مجادلات شبهه آمیز و گمراه کننده عهد شکنان ایستادگی کرده و استقامت و ثبوت خود را بر عهد و میثاق الهی ظاهر و نمایان نمود . روی ویلهم بسی نهایت مورد عنایت و محبت حضرت عبدالبهاء بود و میکل اظهار به کرات و در موارد عدیده مراتب ثقه و اعتماد و قدردانی خود را نسبت به مشارالیه ابراز فرموده اند . سالیان دراز تلگرافات و السواح و مکاتیب مبارک که بافتحار جمعیت های بهائیی و افراد احباء در آمریکای شمالی عز نزول می یافت به آدرس جناب روی ویلهم ارسال و بوسیله ایشان به دست صاحبان شان میرسید .

در سال ۱۹۰۹ احبای امریک به ابتکار جمعیت بهائی شیکاگو یک هیئت ملی بهائی که نماینده عموم بهائیان امریکای شمالی محسوب میشد انتخاب نمودند تا جهت خرید و طرح نقشه

هم صرف غذا کنند امتناع دارند و یک هندو و از خوردن آب چاهی که متعلق به یک نفر غیر هند و است خود داری میکند معذک در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء افرادی از بیروان مذاهب مختلف مسیحی یهودی اسلام زردشتی و هندو را مشاهده کردیم که مانند اطفال یک خداوند مهربان در نهایت صمیمیت و محبت با یکدیگر معاشرت مینمودند . . . در بیت مبارک واقع در عکا بسیاری از این افراد را ملاقات کردیم و لکن در روابط آنها با هم اثری از دشمنی و نفرت و تعصب مذهبی که قرنها در بین آنان وجود داشته و رشد و توسعه یافته بود مشاهده نکردیم گوئی که اکنون اعضاء و افراد یک خانواده اند و جان خود را در راه یکدیگر نثار میکنند . این معجزه اتحاد و محبت را به چه چیز میتوان نسبت داد ؟ . . . ما مطالب بسیاری را در باره لطف و محبتی که از طرف برادران شرقی نسبت به زائرین غربی ابراز میشود شنیده بودیم ولی پس از تشرف و زیارت اعتاب مقدسه آنرا عملادک و احساس کردیم . در ملاقات و ارتباط شرق و غرب و عود و بشارت کتب مقدسه تحقق یافته است . در موقع صرف آخرین غذا در محضر حضرت عبدالبهاء حضرتش مقداری نان را در ظرف غذای مبارک خورد کرده و به زائرین امر فرمودند ظرف غذای خود را جلو ببرند و سپس بهر یک تکه ای از آن نان عنایت کردند وقتی که صرف غذا پایان یافت فرمودند :

" من بشما اجازه دادم که از ظرف غذای من

## آهنگ بدیع

تأثر و تألم خاطر خود را از صعود روی ویلهلم  
محبوب ابراز داشته اند زینت بخش صدر این مقال  
گردیده است .

در خاتمه مناسب خواهد بود قسمتهائی از الواح  
مبارکه حضرت عبدالبهاء را که به افتخار جناب روی  
ویلهلم عز نزول یافته مسك الختام این مقال گردد  
این الواح مبارکه ارزش حقیقی این خادم آستان  
الهی و میزان خدمات باهره مشارالیه را به  
دیانت جهانی بهائی آشکار و نمودار مینمایند :  
" فی الحقیقه شما از هر لحاظ بخدمت  
قائمید و بیش از قدرت و استطاعت خود بسندل  
مجاهدت مینمائید و در حقیقت بفاکاری و جانفشانی  
قیام نموده اید . من بی نهایت از شما مسرورم " ( ترجمه )  
و ایضا :

" فی الحقیقه شما بهائی هستید ، الهی و  
آسمانی هستید و در راه خدمت بملکوت جانفشانید  
حتی دقیقه ای در خدمت و عبودیت غفلت نمی کنید  
قلب شما سرشار از محبت الله است مطمئن باشید  
که تأییدات عظیمه شامل حال خواهد شد ."  
و نیز :

" ملاحظه تصویر شما سبب سرور قلب گردید  
زیرا نورانی و آسمانی بود و در مشاهده عکس منزل  
شما دلربائی محل وزیباتی مناظر اطراف آن و استحکام  
و کمال ساختمان ملاحظه گردید . من بی نهایت  
از شما مسرورم زیرا شما یک بهائی حقیقی هستید . خانه  
شما خانه من است و بهیچوجه تفاوتی و فرقی بین  
مال متعلق به شما و من مشهود نیست . " (انتهی

ساختمان مشرق الاذکار بهائی در ولیمت اقدام  
نماید . جناب روی ویلهلم از سال مذکور تا سنه  
۱۹۴۶ که از شدت و کثرت خدمات و فعالیت های  
مداوم امری خود بعلت ضعف مزاج کاستند به  
استثنای یک سال که کسالت داشتند همه ساله به  
عضویت اتحادیه معبد بهائی و سپس محفل  
روحانی ملی انتخاب و سالیانتمادی بحمت امین  
صندوق آن محفل قائم بخدمت بودند . کمتر کسی  
از افراد احبای امریک به خدمات و اقدامات  
درخشان و شایان که قابل مقایسه با مجهودات  
جناب روی ویلهلم باشد نائل آمده است . در  
دورانی که امین صندوق محفل ملی بودند خصوصاً  
بارز اخلاقی و شخصیت ممتاز مشارالیه و همچنین  
اطلاعات و تجربیات ایشان در امور مالی که توأم  
با سادگی و خلق و خوی رحمانی بود سبب توسعه  
و تقویت بنیه مالی جامعه گردید بطوریکه صندوق  
محفل ملی از جمله موه سسات و مشروعات اساسی  
جامعه بهائیان امریک محسوب شد .

پس از صعود حضرت مولی الوری در سال  
۱۹۲۱ حضرت ولی عزیز امرالله دو نفر از احبای  
امریک را برای حضور در کنفرانس منعقد در حیف  
به ارض اقدس احضار فرمودند و این دو نفر عبارت  
بودند از روی ویلهلم و مونت فورت میلز  
(Mountfort-Mills) ترجمه تلگراف منبع مبارک  
که پس از صعود این خادم برانزده امرالله در ۲۰  
دسامبر ۱۹۵۱ نازل شده و در آن هیکل مبارک



لجنه جوانان بهائى بندر پهلوئى ( ۱۲۲ بديع )



( لجنه جوانان بالالموك <sup>بما</sup> سارى )



احتفال جوانان بهائى کرمانشاه با حضور آقاى دکتر مسیح فرهنگى معاون محترم  
ايارى امرالله



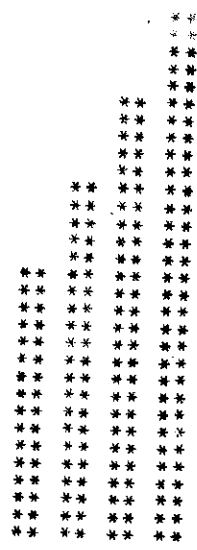


از دست دوست زهر هلاله بکام جان  
اندر سفینه ای کسه بود عشق ناخدا  
خرم تجارتمی که رهائی همی دهد  
من گنج مسکنت ندم رایگان زدست  
بهر نثار مقدم عبدا البها بود  
فضلی است بیکران کندش از من ار قبول  
هر دم رسد شمیم لطیف عنایتش  
عنوان نام دوست چو در نامه بگذرد  
باران جود و رحمتی ای ابر موهبت  
ناکرده خدمتی و نیاورده طاعتی  
کند است پای سعی درین ره ولی چه باک  
ز اقلیم طبع تا بجهان وسیع روح  
از منزلی به منزل دیگر دهد رحیل  
چون بازگشت سوی خداوند مطلق است

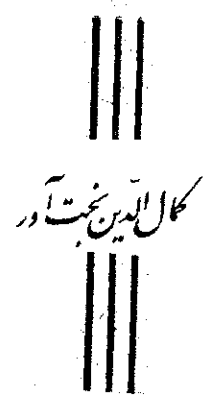
خوشت ز شهید آید و از نیشک مرا  
از انقلاب بحر نباشد حد مرا  
ز اندیشه های باطل نفع و ضرر مرا  
ملك جهان دغند اگر سر بس مرا  
جان و تنی محقرو بی قدر مرا  
دارد بدین سعادت بس مفتخر مرا  
سوی مشام همچو نسیم سحر مرا  
طومار نظم و نثر شود بر در مرا  
نخل وجود مانده بسی بی ثمر مرا  
سر مایه شباب شد از کف بدر مرا  
گر کاروان لطف بود راهب مرا  
آئین کردگار کند رهسیر مرا  
یعنی وقوف نیست درین رهگذر مرا  
بیحد و منتهی است مسیّر سفر مرا

صباح شرح عشق نگجد درین بیان

مطلب مطول است و سخن مختصر مرا



# صلح جاوید



کمال الدین نخت آور

اگر با نظری دقیق و فکری عمیق اوضاع آشفته جهان را مورد مطالعه قرار داده و مفاسدی را که بر بیکر ناتوان عالم بشریت مستولی گردیده است از نظر بگذرانیم عارضه شدید ضعف و انحطاط و آشفتگی و پیرشانی را در سیمای تمدن مادی و ریزوال قرن بیستم مشاهده خواهیم کرد و بدین نتیجه خواهیم رسید که فقدان عواطف عالیه روحانی مسبب اصلی کلیه انحرافات حتی جنگها و بحرانهای اقتصادی و سیاسی می باشد . . . بی شک با چنین وضع ناموزونی که برای بشریت پیش آمده است هر کدام از ما خواهان عدالت و صلح در جامعه انسانی می باشیم و همه آرزو داریم که روزی کلمه جنگ از قاموس بشریت حذف و آفتاب صلح و عدالت از پس ابرهای غلیظ اختلافات و تعصبات تجلی کرده و قلوب افراد بشری را طافح از محبت الهی و محبت خلق او نماید . ولی محقق است که تحقق این آرزوها بستگی نزدیک و مستقیم با طرز تفکر افراد انسانی دارد و تا زمانی که افکار بشری گرفتار تقالید و تعصبات و قلوب مردم مملو از کینه و انتقام باشد هرگز شاهد آمال و آرزوهای ما چهره نخواهد گشود و عدالت عمومی مستقر نخواهد گردید . در تاریخ گذشته حیات انسانی بارها دیده شده است که نهضتهائی بخاطر اصلاح جامعه بوجود آمده و سعی کرده اند که بسا تخفیر رژیم و سیستم اجتماعی و سیاسی عدالت و سعادت از دست رفته را باز گردانند غافل از آنکه تغییر طرز تفکر افراد مقدم بر تغییر سیستم جامعه بوده و قبل از آنکه هیئت جامعه تغییر کند با افراد باید توجه کرد و بدوا باید قالب فکر آنان را تغییر داد زیرا نهضت های اجتماعی زمانی بثمر میرسد که افکار غالب افراد بشر مستعد قبول و پذیرش آن باشد با این توضیح مسلم است تا زمانی که در دلهای ما حس غرور و انتقام موج میزند وصول به صلح عمومی غیر ممکن بوده و تا زمانی که افکار گرفتار تعصبات ملی و نژادی و مذهبی و سیاسی است وحدت عالم انسانی غیر قابل اجرا خواهد بود . پس اگر خواهان سعادت واقعی بشر هستیم بایست

## آهنگ بدیع

تأسیس عدالت عمومی و تحکیم مبانی صلح جهانی را از انسان شروع کنیم چه انسان محور دایره مدنیت بوده و فکر اوست که مظاهر مختلفه تمدن را بوجود میآورد و راه سعادت و شقاوت و طریق جنگ یا صلح را انتخاب میکند .

اگر بپذیریم که تمدن با تمام عظمت و شکوه خود مخلوق طرز تفکر انسانی است پس برای تغییر سیستم تمدن عصر حاضر باید اصلاح را از انسان شروع کنیم و قالب ذهن نوع بشر را با تعالیسم و تربیت صحیح تغییر داده فکر او را از تعصبات جاهلیه آزاد و مستعد قبول نظریه اتحاد جهانی نمائیم .

اکنون که دانستیم تحقق و حصول صلح عمومی مشروط به تغییر طرز تفکر نوع انسانی بوده و برای وصول بوحدت عالم انسانی باید افراد بشر لزوم و اهمیت آنرا درک و بحقانیت آن اعتقاد قلبی حاصل کنند پس برای معتقد ساختن افراد انسانی بدین اصل ضروری و حیاتی باید به دو عامل اصلی که یکی عامل تربیت و دیگری عامل زمان است متوسل شده و بمعاضدت این دو عامل پایه های صلح عمومی را بر روی وجدان و قلوب نوع انسان استوار نمائیم .

### اول - عامل تربیت

علمای علوم تربیتی برای کلمه تربیت معانی متعدد در نظر گرفته و آنرا به معانی مختلفی مانند (پرورش استعداد) یا (ایجاد عادت) یا

(تأثیر متقابل) تعبیر نموده اند . کلیه تعاریفی که از طرف دانشمندان در مورد تربیت بعمل آمده است در یک در مورد خود رسا و صحیح بوده ولی آنچه که مورد نظر نگارنده میباشد تعریفی است که برخی از علمای معاصر بیان نموده و گفته اند که تربیت عبارت از افراغ روح افراد ملت در یک قالب معین است مقصود آنان اینست که هدف تربیت باید ساختن روح افراد بشری در یک قالب واحد و معین باشد همچنانکه صنعتگر مواد مختلفه را مذاب نموده و در یک قالب معین و مشخص میریزد مری نیز باید روح بگروبی آرایش اطفال را که مستعد قبول و پذیرش هر نوع تلقین و طرز تفکری است بیک قالب موزون و منظم در آورده و شکل صحیحی بر ذهن اطفال ببخشد با توجه به ارتباط و تأثیر متقابلی که میان تربیت و صلح وجود دارد اگر ما خواهان وحدت جهانی بشر هستیم باید مریان ما از ابتغای طفولیت حقانیت و لزوم اتحاد بشر را به اطفال تلقین و تفهیم نمایند تا ذهن نونهالان از تقیدات ملی و نژادی آزادگشته و محبت به نوع انسان جای آنرا بگیرد و از عنفوان زندگی با روح بشر دوستی پرورش یافته بلزوم عدالت عمومی اعتقاد قلبی و میل درونی حاصل نماید . در حقیقت جهاد با عنفوان جنگ باید از اولین مراحل آموزشی شروع شود به بر طبق ( قانون طلایی تربیت ) تنها در آغاز طفولیت است که میتوان سجا یی اخلاقی و انسانی را بوجود آورد ولی وقتیکه این

## آهنگ بدیع

نمایند و الا تا زمانی که سیستمهای تربیتی مدارس تغییر نکرده است و تا وقتی که در کیفیت آموزش و پرورش تحولی حاصل نشده است وحدت فکرو عقیده که بایه اولیه صلح عمومی دنیا است بوجود نخواهد آمد .

با این توضیح معلوم است که نه بیمانهایی بی روح سیاسی و امضاء قراردادهای بین دول میتواند مجری و حافظ صلح باشد و نه تجدید و تزئید تسلیحات نظامی قادر است ضامن اجرایی محکمی برای حفظ صلح محسوب شود بلکه ضمانت اجرایی يك صلح پایدار فقط و فقط کیفیت معتقدات نوع انسان تواند بود . صلح يك اعتقادی است که اول باید در فکر بید آید و بیا یک عاطفیه و احساسی است که باید از قلب تراوش کند و تئیکه کانت فیلسوف آلمانی کتاب صلح جاوید Eternal Peace را نوشت در آن پیشنهاد کرد که حکومت ملی پس از بدست آوردن رژیم دموکراسی بایسد دور هم جمع شده بیمان صلح را امضاء و اجرا نمایند خوشبختانه ۱۱۷ سال بعد از مرگ فیلسوف عظیم الشان آلمان عقاید و نظریات وی عملی گردید و در سال ۱۹۲۱ که جامعه ملل تأسیس شد نمایندگان عضو جامعه ملل قرار داد صلح را امضاء نمودند و بیمان اتحاد بستند ولی این آرامش دیری نپائید و در سال ۱۹۳۹ با شروع جنگ جهانی دوم کشتار خونین تری بوقوع پیوست این حادثه نشان داد که بر خلاف نظریه کانت تنها قرارداد

مرحله حساس زندگی سپری شد دیگر تخییر دادن قالب فکر انسانی بسیار مشکل و گاهی هم غیر ممکن میباشد . سعدی شیرازی خوب گفته است :

هر که در طفلیش ادب نکند

در بزرگی فلاح از او برخاست

چوب تر را چنانچه خواهی بیچ

نشود خشک جز به آتش راست

در حقیقت خمیرمایه استعدادات انسانی مانند خمیر ناروف چینی است که در بد و امر میتوان از خمیر آن هر شکلی بوجود آورد ولی همینقدر که از آن يك کاسه ساختیم دیگر نمیتوان از آن بشقاب درست کرد افکار انسانی هم همینطور است وقتی که فکر بشر قالب مخصوصی بخود گرفت دیگر تخییر دادن آن بسیار مشکل است پس تا زمانی که اطفال در مراحل اولیه سنین عمر قرار داشته و هنوز آینه دل و ساحت ذهن آنان طوٹ نگردیده است باید کلمه صلح و محبت با خط جلی بر ضمیر آنان نقش شود و در مدارس و آموزشگاهها جامعیت و لزوم اتحاد بشری تعلیم و تاریخ حیات بر افتخار رجال آسمانی و مظاهر حق که خادم وفادار عالم انسانی بوده و مقاصد عمومی در دل بی پرورنده و تعلیم میداده اند تدریس شود تا حس بشر دوستی جایگزین تعصبات گردد و بتدریج افکار متوجه اهمیت صلح گشته و در تحکیم مبانی آن با اعتقاد و ایمان عمیق کوشش

## آهنگ بدیع

عظیم تکامل صلح بشمار میآید این صلح که در آثار بهائی به صلح اعظم و وحدت عالم انسانی تسمیه شده در حقیقت نظمی است ابدی و جاودانی که بر روی وجدان و اعتقاد افراد انسان استوار شده و بر اساس قانون و اخلاق استقرار یافته است .

### دوم - عامل زمان

البته مسلم است که تحقق صلح و وحدت در جا معه بشریت مستلزم زمان طولانی بوده و برای اینکه افکار بشری متوجه لزوم اتحاد دول گردد واز مرحله اتحاد دول نیز بالاتر رفته به صلح ملل رسیده و مالا بوحده عقول و وجدان که آخرین سرحد تکامل صلح است منتهی شود زمان طولانی تری ضروری میباشد چه همچنان که تحولات تدریجی بدیده های طبیعی در طی زمان معینی انجام میگیرد تغییرات اجتماعی نیز مستلزم زمان و تحولات تدریجی بوده و بحکم این قانون هیچ نهضت و تغییری بغتتا بوجود نمی آید .

با توجه به اصل تکامل تدریجی برای اینکه فکر افراد بشری از يك مرحله پست تربیک مرحله عالیتر ارتقا یافته و سنن و آداب و احکام کهنه و فرسوده را منسوخ و با مسائل و عقایس جدیدی آشنا شود زمان نسبتا طولانی تری لازم میباشد . اگر قوس صعودی تاریخ تمدن انسانی را در ادوار گذشته در نظر بگیریم خوب متوجه میشویم که وقتی که بشر در مراحل وحدت قبیله و عشیره قرار داشت تصور میکرد اتحاد قبیله آخرین

نمی تواند استقرار صلح ابدی را تضمین نماید بلکه آنچه که حافظ صلح بین ملل میتواند باشد اعتقاد مردم به اهمیت و لزوم آن است .

حضرت عبدالبهاء در لوحی که بافتخار جمعیت صلح لاهه نازل شده بود خطاب به آن انجمن میفرمایند : " صلح عمومی امریست عظیم و لکن وحدت وجدان لازم است تا اساس این امر عظیم گردد . "

این نکته را نیز باید متذکر شویم روزی که صلح بین دول در جامعه انسانی تحقق یابد و ممالک در ظل خیمه اتحاد وارد گردند بشریعت موفقیت بزرگی بدست آورده است و لکن باید دانست هر چند که تحقق این مسئله یعنی صلح بین دول تحول قابل ملاحظه ای برای جامعه بشری محسوب می شود ولی آخرین سرحد تکامل انسان در زمینه صلح نمیباشد بلکه این اتحاد بین دول در حقیقت مقدمه ای برای صلح عالیتری خواهد بود که در آثار بهائی به صلح بین ملل موصوف

است صلح ملل وقتی است که اقوام و اجناس و نژادهای متباغضه ترك تعصبات جاهلیه نموده و حقوق همدیگر ارا محترم بشمارند و اگر هیئت حاکمه آنان را به جنگ و ستیز با ملل دیگر وادار نمودند راضی به جنگ و کشتار همنوع خود نشوند این مرحله از تکامل یعنی صلح ملل که عالیتر از اتحاد دول بنظر میرسد خود پایه و مقدمه ای برای صلح عقول و وجدان ها است که مرحله نهائی در سیر

## آهنگ بدیع

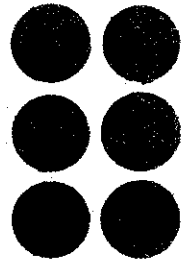
صلح جهانی و تأسیس حکومت بین المللی در اکثریت مردم نضج نگرفته و هنوز اختلافات نژادی و ملی و سیاسی موجود میباشد لذا تحقق صلح جهانی با توسل به تمهیدات مزبور غیر ممکن خواهد بود و این وضع ادامه خواهد داشت تا روزی که اکثریت مردم عالم و رؤسای دول از قید و بند تعصبات ملی و نژادی آزاد شده بطلان عقاید کهنه گذشته را درک و حقانیت و لزوم اتحاد جهانی را احساس نمایند و البته این خود مستلزم گذشت زمان است تا بتدریج بشر از عقاید عتیق منسلخ گشته و بفهمد که سنن و آداب و احکامی که از قرون گذشته به ارث برده است با موقعیت فعلی اجتماعات بشری نا متناسب و ناسازگار است .

### ای پسر روح

هر طبری را نظر بر آشیان است و هر بلبل را مقصود جمال گل مگر طیور افند . عباد که بتراب فانی قانع شده از آشیان باقی دور مانده اند و بگل‌های بعد توجه نموده از گل‌های قرب محروم گشته اند . زهی حیرت و حسرت و افسوس و دربع که بابریقی از امواج بحر رفیق اعلی گذشته اند و از افق ابهی دور مانده اند .

سرحد تکامل اجتماعی انسان است لذا برای دفاع از منافع قبیله و حفظ این سیستم کوچک اجتماعی می‌جنگید و حتی خود را فدا و قربانی میکرد ولی زمانی طولانی گذشت تا متوجه گردید که قبائل مختلف اگر بیک اتحاد وسیعتر که اتحاد ملی است وارد شوند زندگی آنان راحت تر و مرفه تر خواهد گردید لذا کم کم سیستم اجتماعی ملوک الطوائفی تغییر یافته و قبائل مختلفه بتدریج وارد مرحله وحدت ملی گردیده و وحدتی وسیعتر از سیستم ملوک الطوائفی بوجود آوردند در این مرحله نیز این توهم پیش آمد که ملیت آخرین و عالیترین سرحد تکامل جوامع انسانی میباشد . ولی کشتارها و بحرانی که پیش آمد لزوم ایجاد تأسیسات جهانی را اثبات رسانید و بتدریج سازمانها و انجمن‌هایی مانند انجمن اول صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ و انجمن دوم لاهه در سال ۱۹۰۷ تشکیل گردید و همچنین جامعه ملل در سال ۱۹۲۱ و سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ برای تأسیس و حفظ صلح بوجود آمد و از طرف دیگر مؤسسات ملی مانند جامعه صلح لندن London Peace Society و جامعه صلح آمریکا American Peace Society در سال ۱۸۱۵ و انجمن طرفداران صلح و صلیب احمر و انجمن‌ها و مجامع مختلفه دیگر تأسیس گردید . در این اثناء هزاران کسب و رسائل در باره لزوم و اهمیت صلح عمومی منتشر شد ولی با تمام این تمهیدات و اقدامات چون فکر

# تاریخ اجمالی دینت اسلام



حضرت محمد صلی الله علیه و آله



عرستان مهد دینت اسلام و موطن حضرت رسول اکرم شبه جزیره بزرگی است در مشرق دریای احمر و مغرب بحر عمان و خلیج فارس و مساحت آن از سه ملیون کیلومتر مربع متجاوز است و بجز ناحیه یمن که در جنوب این کشور قرار دارد و از نواحی حاصلخیز بشمار میرود سایر بخشها گرم و سوزان و غیر قابل سکونت و لم یزرع است . بخش مرکزی جزیره العرب نجد نام دارد که به معنی سرزمین بلند و مرتفع است قبائل صحرائشین عرب هزاران سال است که با گرمی و حرارت صحاری سوزان عرستان و زندگی در ایسین ریگستانها خو گرفته اند .

اعراب ساکن جزیره العرب را میتوان بسه دسته تقسیم نمود :

- ۱ - عرب بائده که بتدریج از بین رفته اند چون قوم عاد و قبیله نموده مابین شام و حجاز میزیسته اند و ذکرشان در قرآن شریف آمده است و قبائل طسم و جدیس که در یمامه سکونت داشته اند .
- ۲ - عرب مستعربه یا عدناتی که در حجاز و نجد و نواحی مجاور ساکن بودند و چون نسب آنها به اسمعیل فرزند ابراهیم خلیل میرسید آنها را اعراب اسمعیلی نیز خوانده اند .
- ۳ - اعراب قحطانی که در یمن سکونت داشتند و نسبشان به قحطان یا یقطان ابن عامر میرسید و ولد او یعرب بن قحطان بنا بر قول مشهور اولین فردی است که به زبان عربی تکلم کرده است . اعراب قحطانی را عسرب عاربه نیز خوانند و گویند نسب ایشان به سام بن نوح میرسند .

داستان ابراهیم و نیاکان حضرت رسول اکرم

بنوعی که در آثار مقدسه اسلامیه آمده خانه کعبه را حضرت ابراهیم خلیل بنا کرده است . ابراهیم از اورکلده به کنعان رفت و از آنجا به مصر و بعدها به حجاز آمد . بدستور الهی او و فرزندش



## آهنگ بدیسح

از اهالی یثرب ده شتر فدیة قربانی را معین نموده باز قرعه زدند بنام عبدالله درآمد. بر تصدات شتران افزودند قرعه بنام شتران اصابت کرد و آنها را بجای عبدالله قربانی نمودند و رضایت خداوند جلب گردید و بدین ترتیب عبدالله زنده ماند و تقدیر خداوندی بر این بود که از او فرزندی بوجود آید که بعداً منجی عالمیان و سرور جهانیان گردد. اوضاع مذهبی عربستان پیش از ظهور دیانت اسلام

اعراب از نظر اعتقادات مذهبی

اختلافات بسیاری داشتند مذاهب یهودی و مسیحی نیز در نقاط مختلفه عربستان نفوذ کرده بود و بعضی از قبائل پذیرفته بودند ولی اکثر قبائل عرب در آن عصر که به عصر جاهلیت معروف است بت پرست بودند و در آن زمان خدایانی چون لات و منات و عزی و هبل مورد پرستش اعراب قرار داشتند و تمام شهرها با حفظ خدای مخصوص خودشان به الله بعنوان خدای ما فوق خدایان احترام میگذاشتند بقرار معلوم دین قدیمی عربها مسلمان حنیف یعنی بر شریعت ابراهیمی استوار بودند ولی بعداً عقایدشان آلوده به بت پرستی شده بود بدین ترتیب که بیشتر اعراب در ابتدا به خدای واحد اعتقاد داشتند و بعد بدعتهایی در عقاید ایشان بوجود آمد و بتها را واسطه بین خدای بسزرگ و خلق دانستند و توجه به واسطه ها بتدریج جای اعتقاد به الله را گرفت و در تمامی خساك جزیره العرب بتکده هایی ساخته شد خانه کعبه نیز که برای عبادت خدای واحد بوجود آمده بود

اسمعیل اردان بیت را مرتفع داشته و آن خانه در میان اعراب شهرتی یافت و بعداً نام مکه یا مکا که اصلاً کلمه بابلی و بمعنی بیت است بر آن شهر اطلاق شد. ابراهیم پس از بنای خانه کعبه به کنعان بازگشت و اسمعیل را بخدمت بیست گماشت. اولاد اسمعیل مدتها افتخار خدمت و تولیت بیت را داشتند تا اینکه قوم بنی خزاعه پس از سیل عرم بر مکه مسلط شدند و منصب درباری و تولیت بیت را بجبر و غلبه از اسمعیلیان یا عدنانیان گرفتند پس از آنها قبیله بنی کنانه که از اولاد اسمعیل بودند وظیفه تولیت و درباری را بعهده گرفتند و قبیله قریش از میان آنها بوجسود آمد و این سمت را بخود بازگردانید. قصی بن کلاب یکی از اجداد پیغمبر اکرم این مقام را بدست آورد و تا ظهور شمس حقیقت محمدی این منصب در میان قریش برقرار بود و عیاشم منصب بدیثرائی حجاج بیت و وفادت و سقایت را بعهده گرفت پس از هاشم برادرش مطلب و بعد از او عبدالمطلب بدین مقام نائل آمد. عبدالمطلب رئیس قبیله هاشم نذر کرد که اگر خداوند بدوده بسسر عنایت کند یکی از آنها را در راهش قربانی کند و خداوند تفضل فرمود و باوده بسرداد.

دهمین بسر عبدالمطلب عبدالله نام داشت.

عبدالمطلب که به ادای نذر خود پابند بود بوعده خود وفا کرده در پیشگاه هبل قرعه کشید و بنام عبدالله درآمد. اما مردم قریش راضی بقربانی شدن عبدالله نبودند و عاقبت با راهنمایی کاهنی

به بتکده ای تبدیل شده هر يك بتی مخصوص رادر آنجا نهاده و عبادت می کردند . در آن روزگاران که به عصر جاهلیت موسوم است اعراب وقت خویش را به شراب خواری و قمار و شهوت رانی و عیش و کامرانی و در اکثر موارد جنگ و خونریزی میگردانیدند و تنها در ماههای حرام دست از قتل و حرب میکشیدند . وجود دختر را مایه تنگ خانواد ه میدانستند و بعضی از قبائل دختران نوزاد خویش را زنده زنده بگور میکردند .

بطور خلاصه می توان گفت عربستان در آستانه ظهور حضرت رسول اکرم کشوری ملوک الطوائفی بود که گاه تحت تسلط رومیان و گاه در حیطه قدرت سلاطین ایران قرار داشت و اختلافات مذهبی اعراب و جنگ اقوام و قبائل موجب ضعف و سستی ارکان عقاید ساکنین جزیره العرب گشته بود و اشراق خورشید رخشان الهی از برج احمدی خاتمه این ضعف و رخوت و آغاز عصر طلائی جدیدی در تاریخ قوم عرب بشمار میرود .

تاریخچه حیات حضرت رسول اکرم

عبد الله دهمین فرزند عبد المطلب که از نعمت زیبایی ظاهر و جمال سیرت بهره بسیار داشت به سن بیست و چهار رسید و عبد المطلب آمنه بنت وهب را برای او خواستگاری نمود و لسی اندکی پس از ازدواج در حالی که آمنه از وی حامله بود دیده از جهان فرو بست و از ثروت دنیا تنها پنج شتر و چند گوسفند و يك گنیز

بجای گذاشت . دوران حمل آمنه به پایان رسید و پس از وضع حمل عبد المطلب نوزاد عزیز را محمد نامید و پنج ساله بود که مادر آن حضرت آمنه نیز جان بجان آفرین تسلیم نمود و محمد کودک یتیم در امان عبد المطلب پرورش یافت .

مورخین در تاریخ روز و سال تولد حضرت رسول اکرم اختلاف کرده اند آنچه مسلم ترین نظر میرسد آن حضرت در سال معروف به عام الفیل مطابق با ۲۰ آوریل ۵۷۱ میلادی دیده بجهان خاکی گشود و علت تسمیه این سنه به عام الفیل آنکه ابرهه نایب السلطنه حبشه در یمین می خواست شهر صنعا بجای مکخ مرکز توجه و عبادت و تجارت شود بدین جهت با سپاه بسیار و فیلهای جنگی به مکه حمله نمود ولی به تقدیر خداوندی پیروز نشد . آن سال را مردم مکه عام الفیل نامیدند که تقریباً مصادف با چهلمین سال از سلطنت خسرو انوشیروان بود . پس از وفات عبد المطلب ابوطالب عموی پیغمبر نگهداری آن

حضرت را بعهده گرفت و چون به ده سالگی رسید به عم خویش در امور تجارتی کمک می نمود و در دوازده یا سیزده سالگی باتفاق ابوطالب سفری به شام کرد و هم در آن سفر بود که سرجیوس راهب نیکوکار مقلب به بحیرا آن حضرت را بدید و پیشگوئی کرد که محمد سروری بزرگ خواهد شد و نامش بلند آوازه خواهد گردید . آن حضرت در هفده سالگی نیز با عموی دیگر

## آهنگ بدیع

خویش عباس بسفر تجارتي رفت و از این سفر عسا  
سود چندانى حاصل نگردید و ابوطالب حضرت  
محمد را پیش خدیجه بنت خویلد که از زنان مقوم  
و سرشناس مکه بشمار میرفت برده آن حضرت  
بکارهای تجاری خدیجه مشغول گردیدند و در سفری  
که بشام فرمودند سود بسیار بدست آورده و سبب  
سرور و اطمینان خدیجه شد و در آن اوان بسه  
محمد امین شهرت یافت و آن چنان محبتش در دل  
خدیجه افتاد که این عشق و محبت به ازدواج <sup>مید</sup> انجاء  
در حالی که آن حضرت ۲۵ سال بیش نداشت  
از آن بیعد در شمار مردان ثروتمند محسوب گشت  
و پسر ابوطالب علی علیه السلام را بخانه خویش  
آورد و در پرورش وی کوشید به نوعی که در تواریخ  
آمده است زاهدین و متراضین عرب اکثر اوقات در  
کوه حرّی عزلت میگزیدند و این عزلت و اعتکاف را  
تحنت می نامیدند. حضرت رسول اکرم نیز هر  
سال يك ماه به آن محل رفته عزلت میگزید تا  
سرانجام در ماه رمضان سال ۶۱۰ میلادی قلب  
منیرش مرکز تجلی وحی الهی گردید و انوار الهام  
ربانی در ضمیر تابناکش پرتو افشان شد و خطابات  
الهییه مخاطب گشت و چون اظهار امر فرمود  
اول خدیجه و سپس علی علیه السلام اولیین  
کسانی بودند که به آن حضرت مؤمن گشته و شعله  
عشق الهی در وجودشان زبانه کشید و آن حضرت  
بهدایت خویشان از بنی هاشم و قریش پرداخت و  
محسود اقربا و مورد خصومت و آزار و اذیت قبائل

عرب واقع شد آن قدر مصیبت تحمل فرمود که ذکرش  
از حوصله مقال خارج است .  
در آن زمان که حضرت رسول اکرم داعیه  
هدایت کبری داشت زعمای پیشوایان قبائل عربستان  
چه از خویشان حضرتش و چه از بیگانگان جمیعاً  
استهزا<sup>۳</sup> مینمودند و اظهار میداشتند که آیا ممکن  
است با وجود این شعرا و گویندگان بزرگ در حجاز  
خداوند شخصی امی رامبعوث فرماید ابوالحکم که  
از لسان حق به ابوجهل تسمیه گردید در اعراض  
گوی سبقت از سابقین رود و ابولهب عم رسول  
اکرم سیلی بر صورت نازنین حضرت نواخت . بسا  
آنکه حضرت رسول اکرم به درستی و امانت و راستی  
در بین همگان مشهور بود آن حضرت رانعوذ بالله  
کاذب و مجنون خوانده و نسبت فساد دادند و  
خویشان را مصلح دانستند و در قرآن شریف  
داستان مخالفت معرضین و اعراض مبغضین بسه  
تفصیل آمده است .

باری شدت مصائب وارده بر رسول اکرم  
و اصحاب گرامیش سبب هجرت گروهی از مسلمین  
به حبشه شد نجاشی پادشاه مسیحی حبشه از  
ایشان پذیرائی کرد و آنان مدتی از حمایت او برخوردار  
بودند و بعد از چندی آن حضرت نیز که از توطئه  
مخالفین بجهت قتلش آگاه شده بود باتفاق ابوبکر  
به مدینه هجرت فرمود و مسلمین مدینه یا انصار  
از آن حضرت استقبال نمودند سال هجرت رسول  
اکرم از مکه به مدینه که مطابق سنه ۶۲۲ میلادی  
( بقیه در صفحه ۳۷۲ )

## نامہ امی از جناب ابوالفضائل

در اکبر سال ۱۹۰۰ میلادی جناب ابوالفضائل گلبایگانی  
 به یکی از احباب نامہ امی به عربی نگاشته و در آن از علت  
 سفر خود به آمریکا و موضوع امتحان و افتتان گفتگونموده اند  
 اینک ترجمہ آن تقدیم خوانندگان عزیز میگردد

\*\*\*\*\*

بسمه الاهی

ای دوست بزرگوار و یار ارجمند و وفادار همواره آثار اخلاق نیکویت در آئینه دل نقش بسته و پیوسته  
 علائم افکار عالیہ ات در صحیفہ قلب رسم گشته است .

نامہ مهر آمیزت در مدینہ حیفا واصل گردید هنگامی کہ بہ حضور حضرت " من طاف حولہ الاسماء " کہ بزرگان  
 در پیشگاهش خاضع اند و طیور لیل نقض و اعراض از سطوع انوارش در زوایای ظلمات گوشہ نشین و پنهان  
 مشرف بودم . نامہ را تقدیم داشتم و حضرتش عنایت کرده آنرا قرائت نمودند . آن گاہ نظر لطف و مکرمش  
 شامل حال گردید و با عباراتی نغز و شیوا و بیاناتی فصیح و گویا بہ ذکر شما پرداختند و در برابر جمععی از  
 احبابی عزیز و بزرگوار روش و سلوک برجستہ و نمونہ شما را در یاری و نصرت امر الہی در آن سامان بیان  
 فرمودند . از خداوند بکمال خضوع و توجه خواستارم کہ آن جناب را آیت باہرہ ای از آیات کبری و رایست  
 افراشته ای بجهت راہنمائی و ہدایت بندگان در آن دیار قرار فرماید . این همان است کہ از خصائل نیکوی شما  
 انتظار می رود و از حسن مشی و سلوکان در اطاعت و پیروی از ارادہ و اوامر جلیلہ اش در ہر قدمی ظاہرو  
 آشکار است . اوست بہترین توفیق بخشندہ و تائید کنندہ و یاری دہندہ .

ایام تشرف و اقامت ما در ارض اقدس قلیل بود زیرا ارادہ مبارک بر آن قرار گرفت کہ این عبد قطر مصر  
 را ترک نمودہ و بہ دیار غرب سفر نماید و در آن ممالک بعید مدتی مدید رحل اقامت افکند . از آن رو کہ

## آهنگ بدیع

ظلمات شبهات در آن نقاط پدیدار شده و اراده الهی بر آن جاری گشت که نفوسی جدید در بوته آزمایش در آیند تا پاك از نا پاك و خالص از نا خالص ممتاز گردد و حق از باطل و ثابت از متزلزل باز شناخته شود . حال ای حبیب من به امتحان و افتتانی که در کتب مقدسه نازل گشته و از عود محتوم الهی در کتابهای آسمانی محسوب شده واقفی . به باب دوازدهم از کتاب دانیال نبی علیه السلام رجوع کن تا دریابی که خداوند چگونه مردمان را به محک امتحان بیازماید تا بدین وسیله اشخاص " طاهر و صفی " را از افراد شریر و ناپاك مفصل و جدا سازد و نیز در انجیل جلیل ملاحظه کن تا مشاهده نمائی که چگونه پروردگار تعالی در یوم نزول از آسمان شکوه و جلال گروهی را در یمین و گروهی را در شمال برانگیزد آنان را برای رستگاری و حیات جاودانی و اینان را جهت پستی و حقارت ابدی .

رب قدیم در قرآن مجید مردمان را از اصحاب شمال و یمین چنین آگه فرموده است : " واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین فی سدر مخضود و طلع مفضود و ظل مدود و ماء مسکوب و فاکهه کثیره لا مقطوعه و لا معنوعه و فرش مرفوعه . . . و اصحاب الشمال ما اصحاب الشمال فی سموم و حمیم و ظل من یحوم لا یسارد و لاکریم " ( ۱ )

ای دوست انسان از تعالیم نادرست و تفاسیر مضحک آنان متحیر و سرگردان است . احبای امریکائی که در ایام اخیر برای تشریف به ارض اقدس آمدند و با ایشان از بیروت تا مدینه حیفاً در سرزمین فیحاء ( ۲ ) همسفر بودیم ما را از اموری آگاه نمودند که شخص عاقل مبہوت می شود و انسان زیرک تعجب می نماید که چگونه با وجود این تفاسیر و تعالیم بی پایه و اساس از نفوس جاهل و مکار کلمه الله در آن بلاد دور دست و پهناور نفوذ و غلبه کرده است آیا این جز از قدرت و اقتدار خداوند و ظهور آیات و بینات اوست ؟ و چنانچه عده ای از آن نفوس پاك سرشت به ارض اقدس سفر نکرده و به حضور حضرت عبدالبہاء مشرف نشده و بگوش خویش سخنان گهربارش را نشنیده بودند و از آنجا به دیار مصر نیامده و تعالیم حقیقی الهی را نمی آموختند بی شك ظلمات نقض و شبهات بر تمام آن اطراف سایه افکنده و آن امت گرامی و ارجفند را در زمره مردگان بشمار آمده بودند و لکن خداوند بر امرش غالب و بر بندگانش محیط است از خفایای قلوب آدمیان آگاه و از مکونات ( بقیه در صفحه ۳۷۸ )

( ۱ ) سوره الواقعة ۲۶ تا ۴۳ - ترجمه - و اصحاب یمین آنانند که در زیر شجر سدری خارودرخت همیشه سبز بر برگ و شاخ ماوی گیرند و در ظل مدود سگی جویند و از آبهای ریزان و میوه های فراوان حصه برند و بسر فرش های گسترده در مقامات عالیه جالس شوند . . . و اصحاب شمال آنانند که جز از باد سوزان و آب جوشان بهره ای نبرند و غیر از سایه ای تا مطبوع از دود سیاه بناهی ندارند .

( ۲ ) سرزمین پهناور - لقب بصره و دمشق - در اینجا منظور ارض مقدس است .



جوانان بهائی سبزوار در سال ۱۲۲ بدیع



لجنه جوانان بهائی نیریز در سال ۱۲۲ بدیع

# چرخ با این نظم همچون تابع فرمان کیست

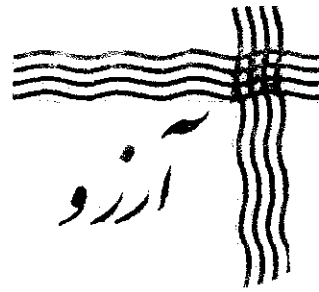
چرخ با این نظم بی چون تابع فرمان کیست  
 آن دگر خورشید محو چهره تابان کیست  
 آخرین علت کدام است و جهان حیران کیست  
 ذره را مهر که در دل مهر با بیمن کیست  
 گوی گردون بیقرار اندر خم چوگان کیست  
 تا که یابد یار را و یار تا خواهان کیست  
 سینه ها سوزان زلف آتش هجران کیست  
 یارب این سروسهی رفتار از بستان کیست

این فروغ عالم افروز لزرخ رخسار کیست  
 خور بدین تابش بود مجذوب غورشید دگر  
 جمله معلولند و سرگردان و حیران ذره وار  
 در دل هر ذره پنهان است مهری تابناک  
 ما چو گوی اندر خم چوگان گردون بی قرار  
 هر کسی خواهان مطلوبی و بیوای رهی است  
 گرنه با عشق رخ او زاد ما را مام دهر  
 نیست چون قدش نهالی در گلستان وجود

دوش میگفت این سخن با خود نکائی بانشاط

غرقی انوار است دل از چهر نور افشان کیست





دردم زحد گذشته و در مانم آرزوست  
ای آفتاب عهد بجانم دمی بتساب  
هردم بگوش غیب ز تو صد بشارت است  
هر لحظه نغمه های خوشتر روح بخشدم  
از تو هزار مژده جانبخش می رسد  
لب تشنه ام چو ماهی غلطان بخاک و دشت  
این مرغ دل شکسته بود در قفس اسیر  
تأیید و استقامت و توفیق و بندگی  
این قرن قرن اعظم وقت خروش و جوش  
جانم طول گشت ز بی حاصلی عمر  
گر چه معطر است ز بوی مشام جان  
عمم گذشته بی سرو سامان در این جهان  
از یک زبان ده دله بیزار گشته ام  
از رنج دیو و صحبت دد بس دلم گرفت

جانم بلب رسیده و جانانم آرزوست  
انوار آن جمال درخشانم آرزوست  
بانم بشارتی بدل و جانم آرزوست  
یک نغمه باز زان لب خندانم آرزوست  
از تو نوید عالم پنهانم آرزوست  
احسان تو چو قلزم و عمانم آرزوست  
بران جناح مرغ سلیمانم آرزوست  
دائم بزاه خدمت یارانم آرزوست  
چون رعد بر خروش بهر آنم آرزوست  
روح بقا ز حضرت سبحانم آرزوست  
یک نغمه باز زان گل وریحانم آرزوست  
محشور در عوالم پنهانم آرزوست  
آن یک زبان و یک دل و یک جانم آرزوست  
آن روح پاک و صحبت انسانم آرزوست

لیلی همی سرایند این نکته با نیاز  
قرب و رضای حضرت یزدانم آرزوست

اشهد انی لیلی خاتم



بود بعدها مبداء تاریخ اسلامی گشت . پس از هجرت پیغمبر به مدینه به تدریج اسلام ترویج شد و بسیاری از طوایف عرب اسلام آوردند و چون فرمان الهی بجهت تبلیغ نفوس و دخول در ظل شریعت الهیه صادر گردید جنگهایی میان پیغمبر و کفار در گرفت که به غزوات رسول الله محسوف و مهمترین آنها عبارتست از : جنگ بدر ، سوئق احد ، خندق ، جنگ با بنی قریظه ، جنگ خیبر جنگ موتة ، جنگ حنین و تبوک . اصحاب پیغمبر در اغلب این غزوات پیروز بودند و سرانجام علم دین الله در تمامی شبه جزیره عربستان باهتزاز آمد و مکه بدون خونریزی در آخرین سالهای حیات پیغمبر فتح شد و مخالفین و منافقین منکوب و مهزوم و خائب و خاسر گشتند و قلوب مؤمنین مسرور گردید و سپس بوسیله ارسال نامه هائی امرالله به بعضی از ملوک و فرمانروایان ابلاغ گشت نامه هرقل امپراطور روم بوسیله دحیه ابن خلیفه کلبی ارسال گردید نامه خسرو پرویز پادشاه ایران را عبدالله بن حذاقه رسانید . مقوقس پادشاه مصر و نجاشی پادشاه حبشه نیز مورد خطاب آنحضرت قرار گرفتند و همچنین حضرت رسول اکرم به حارث غسانی و نیز هوزنه بن علی پادشاه مسیحی یمامه و منذر بن نعمان امیر بحرین پیغامهایی فرستاد و ایشان را به اسلام دعوت فرمود . حضرت رسول اکرم در آخر ماه صفر سال یازدهم هجرت هنگامی که سپاهی عظیم جهت جنگ با رومیان آماده شده

بود واسلمه بن زید رهبری آنها بعهده داشت به کسالت و سردرد شدید مبتلا گشت و در منزل عایشه بستری شده و سرانجام در ظهر دوازدهم ربیع الاول همان سال که سال ۶۳۲ از میلاد مسیح بود رحلت فرمود و ارتحال آن حضرت در جامعه مسلمین بزرگترین مصیبت و حادثه عظمی بشمار رفت آنگاه که آن حضرت دیده از جهان عنصری فرو بست جزیره العرب در ظل تعالییم حلای بود و کلمه توحید قبائل و طوائف متباغضه عرب را بیکدیگر نزدیک کرده و اختلاف و انشقاق به ائتلاف و وفای گرائیده بود ولی افسوس و هزار افسوس که پس از رحلت آن مظهر امر رحمن اختلافاتی پیش آمد که موجب تفرق و پراکندگی اصحاب و مؤمنین شد و چگونگی آن انشاقات بتفصیل در کتب تاریخی ثبت گردیده است .

خدیجه از رسول اکرم صاحب چهار دختر و چند پسر شد و چون نام یکی از آن پسرها قاسم بود کنیه آن حضرت ابو القاسم شد . چهارمین دختر خدیجه فاطمه نام داشت که هشت سال پیش از هجرت متولد شد و در نهم سالگی به ازدواج علی علیه السلام درآمد و در هجده سالگی در مدینه رحلت فرمود و نسل رسول الله از اولاد حضرت فاطمه زهرا باقی ماند .

پس از رسول الله حضرت علی علیه السلام شخص اول عالم اسلام است . مولای متقیان در کودکی تحت پرستی رسول الله قرار گرفت و رضیع ندی

شده سوره علق است . " اقرء باسم ربك الذی خلق خلق الانسان من علق . " الی آخر قوله تعالی و تا مدتی وحی الهی قطع شده و دوران فترت بوده و پس از مدتی آیات بتدریج نازل گشته است کلیه آیات قرآنیه مشتمل بر دو نوع است :

۱ - مکی ۲ - مدنی و نیز آیات قرآن شریف به محکم و متشابه تقسیم میشود .

آیات محکمت آیاتی هستند که مقصود و معنی آنها از خود آیه مستفاد میشود و آیات متشابهات آیاتی هستند که مراد و مقصود الهی از ظاهر آیه استنباط نشود و آیه شریفه " لا یعلم تأویلہ الا اللہ و الراسخون فی العلم " دلیل بر این مطلب است .

بعضی از سوره های کوچک قرآن یک مرتبه و بسیاری از آیات سوره بزرگ بتدریج نازل شده و چون حضرت رسول اکرم ای بودند بعضی از نفوس بحفظ این آیات می پرداختند که به حفاظ قرآن مشهورند . علاوه بر حفاظ قرآن رسول خدا چهل و سه تن از اصحاب را مأمور فرمود که آیات قرآن را به خط معمول آن زمان بنویسند و ایشان به کتاب قرآن مشهورند و از جمله حضرت علی علیه السلام ، عثمان ، ابوسفیان ، ابوبکر ، عمر ، علاء بن عقبه ، عبد الله مسعود و زید بن ثابت را میتوان نام برد . بعضی از این نفوس بعدها از اسلام عرض کردند و بجمع کفار و مخالفین پیوستند . قرآن شریف روی پوست خرما و شانه گوسفند و پارچه پوست و غیره نوشته میشد . آیات قرآنی ابتدا اعراب و نقطه گذاری نشده بود بعدها ابو

محبیت الهی گشت و چون او در جهان اسلامی رجلی عظیم مرتبت نبود . امیرالمؤمنین علی علیه السلام ازهد ، اتقی ، اعلم از جمیع مسلمین بود و قسمتی از آثار گرانبهای آن حضرت که بنام نهج - البلاغه جمع آوری و تدوین گشته معرف عرفسان عمیق و روح عظیم آن حضرت و شهادتی است صادق بر اثبات اعظمت مقام پی مانندش .

در مورد وصایت آن حضرت پس از رسول الله بیانی صریح در قرآن شریف نیست و قضیه غدیر خم را اهل سنت و جماعت تفسیر دیگر نمایند و دال بر وصایت حضرت علی بن ابیطالب ندانند و ایسن موضوع پس از رحلت پیغمبر اسلام موجب انشقاقات و انشعابات در جامعه اسلامی شد .

### کیفیت نزول و تدوین قرآن شریف

ابتدای نزول قرآن شریف شب قدر بوده است چنانکه در خود آن صحیفه آسمانی آمده " انما انزلناه فی لیله القدر " ( ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر ) و در سوره دخان می فرماید " انما انزلناه فی لیله مبارکه " ( ما نازل کردیم قرآن را در شبی مبارک ) .

مورخین در تعیین شب قدر اختلاف کرده اند ولی آنچه مسلم بنظر میرسد لیله القدر در ماه رمضان قرار دارد . زیرا خداوند در سوره بقره می فرماید " شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن " ( ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است ) اولین سوره ای که بر قلب پیغمبر اکرم نازل شده

## آهنگ بدیع

و دفن به انجام نرسیده بود که انصار بطرفداری سعد بن عبادہ پرداختند و او را بامارت و خلافت ستودند جمعی نیز به جانب خواهی از ابوبکر قیام کردند و خلافت را مختص به مهاجرین اولین خواندند عده گیزی نیز خلافت را خاص حضرت علی علیه السلام دانستند و آن حضرت را در فضائل و کمالات اولی و انسب از دیگران و بعلمت اسبقیت در ایمان و قرابت و نزدیکی به پیغمبر اصلح از همگان شناختند و قضیه غدیر خم را دلیل بروصایت حضرت علی دانستند. ولی سرانجام ابوبکر بخلافت انتخاب شد و اکثریت موءنین با او بیعت نمودند. ابوبکر دو سال و سه ماه خلافت کرد و در سن شصت و سه سالگی در سنه ۱۳ هجری در گذشت و او را در جنب مرقد پیغمبر مدفون نمودند ابوبکر پس از خویش عمر را بخلافت منصوب کرد. عمر اولین کسی است که بنام امیر المؤمنین نامیده شد در زمان خلافت او عراق عرب و حمص دمشق و بیت المقدس فتح گردید و سپاه ایران در قادسیه شکست خورد و در نبردهای بعدی نیز سپاه عرب فاتح گردیده و این مملکت در زمره متصرفات اسلامی وارد شد. عمر در سال ۲۳ هجری پس از ده سال و هشت ماه خلافت در سن ۶۳ سالگی در هنگام ادای صلوه بدیست فیروزناهی ایرانی که معروف به ابولؤلؤ بود بقتل رسید. عمر جانشین خویش را معین نکرد ولی شش تن را تعیین نمود که آنان خلیفه را انتخاب کنند و ایشان عبارت بودند از علی بن ابیطالب، عثمان

(۳۷۴)

الاسود مذکور کار اعراب و نقطه گذاری قرآن را تمام کردند. تدوین قرآن ابتداء در زمان ابوبکر انجام شد و بدستور او زید بن ثابت يك نسخه جمع آوری نمود و در زمان خلافت عثمان مجدداً زید بن ثابت و چند نفر دیگر برای رفع اختلافات موجوده بجمع و تألیف آیات پرداختند و آن همین قرآن است که امروزه مطبوع و منتشر است. قرآن شریف ۱۱۴ سوره یا ۳۰ جزو و بیش از ۶۰۰۰ آیه است اسامی سوره از خود رسول الله نیست و مدتی بعد از نزول قرآن این نامها بدان سوره داده شده است.

عصر جاهلیت روزگار شرك و بت پرستی و شرابخواری و فساد و تباهی بود بدین علت اول و اعظم تعلیم رسول الهی توحید بود فلسفه توحید در اسلام بسیار عظیم و قوی است و رسول اکرم در زمان حیات خویش قبایل عرب را در ظل کلمه توحید وارد نمود. دستورات الهی در مکه همه مبتنی بر مدارا و تحمل مصیبات و عفو و گذشت و اغماض بود ولی پس از هجرت پیغمبر به مدینه دستور جهاد و قتال بامشرکین و مخالفین صادر گردید.

اوضاع جامعه اسلامی پس از رحلت حضرت رسول  
اکرم (ص)

پس از رحلت حضرت رسول اکرم بر سر خلافت و جانشینی آن حضرت اختلاف پدید آمد و هنوز جسد رسول الله بر زمین بود و کار غسل و کفن

## آهنگ بدیع

ولی حیلہ و مکرشان آشکار شد و حضرت اُمّ حَسین  
که باستظهار آنان بجنگ یزید بن معاویہ میرفت  
در میان سپاہ عظیم او محصور گردید و با نهایت  
مظلومیت بدرجہ منیعہ شہادت عظمیٰ فائز شد  
و قلوب مسلمین خصوصاً شیعیان را جریحه دار  
ساخت . صرف نظر از ابو سفیان بن حرب معاویہ  
مؤسس خلافت امویان است کہ از سال ۴۰ تا ۱۳۲  
هجری بر ممالک اسلامی حکومت کردند و بجز عمر بن  
عبدالعزیز بقیہ خلفای بنی امیہ فاسد و شرابخوار و  
دشمن خاندان علی علیہ السلام بودند . در سنہ  
۱۳۲ هجری خلافت بنی امیہ بدست ابو مسلم  
خراسانی منقرض شد و پس از ایشان عباسیان بخلافت  
رسیدند و تا سال ۶۵۶ هجری بر قسمت اعظم  
ممالک اسلامی حکومت نمودند در این سال  
هلاکوخان مغول آخرین خلیفہ عباسی المستعصم  
بالله را بقتل رسانید . علاوه بر دو سلسلہ خلفای  
فوق سلسلہ های دیگری نیز در ممالک اسلامی  
خلافت کرده اند کہ از جمله آنها خلفای فاطمی -  
مصر را می توان نام برد . جنگهای صلیبی کہ میان  
مسیحیان و مسلمین پیش از دو قرن ادامه داشت  
سر انجام با شجاعت این گونه خلفا بخصوص صلاح  
الدین ایوبی بہ نفع مسلمین پایان یافت . آخرین  
سلسلہ ای از سلاطین کہ خود را صاحب مستند  
خیالفت و وصایت رسول الله میدانستند سلاطین  
آل عثمان بودند کہ حکمرانی آنان نیز منقرض گردید .

سعد بن ابی وقاص طلحه زبیر و عبد الرحمن بن  
عوف . و بالاخرہ پس از عمر عثمان داماد پیغمبر  
بخلافت رسید عثمان خویشان و اقوام خود را بہ  
امارت ایالات مختلفہ اسلامی گماشت و چون عمال  
حکومتی وی مظالم فراوان بر مسلمین روا داشتند  
مردم شوریدند و سرانجام او را بقتل رسانیدند  
(سنہ ۳۵ هجری) پس از قتل عثمان خلافت  
بہ حضرت علی بن ابیطالب علیہ السلام رسید  
آن حضرت در اصلاح امور اجتماعی و روحانی  
مسلمین بسیار کوشید ولی بعزت کارشکنی ها و  
اغتشاشات و جاه طلبی های تنی چند از زعمای  
مسلمین باتمام آن اصلاحات نائل نیامد . عایشہ  
حرم پیغمبر علیہ آن حضرت قیام کرد و معاویہ  
والی شام مدعی خلافت گردید و بکمک اعوان و انصار  
خود و با تدابیر و حیل زمام خلافت را بدست  
گرفت و حضرت علی علیہ السلام نیز در سنہ ۴۰  
از ہجرت نبوی بدست عبد الرحمن بن ملجم  
شریت شہادت نوشید . پس از شہادت حضرت  
علی علیہ السلام اهل کوفہ با حسن بن علی  
بیعت نمودند ولی اندکی پس از آن حضرت  
امام حسن مجبور بکنارہ گیری شد زیرا معاویہ با  
لشگری فراوان بعراق عرب حملہ برد و آن حضرت  
ناچار صلح نمود و در سال ۴۹ هجری بدیست  
زوجہ خویش و بہ تحریک معاویہ مسموم و شہید  
گشت . پس از شہادت امام حسن مجتبیٰ اہل  
کوفہ حضرت حسین بن علی را بخلافت خواستند

پس از رحلت رسول اکرم اختلاف در جامعه اسلامی بدید آمد نخست در موضوع خلافت مسلمین بدو دسته تقسیم گردیدند اول آنانکه خلافت را بمشورت و رجوع امت موکول داشتند و سرانجام ابوبکر را بجانشینی پیغمبر برگزیدند و پس از او به ترتیب به خلافت عمر عثمان و علی اعتقاد یافتند اینانرا اهل سنت و جماعت گویند دوم شیعیان که خلافت را پس از رسول اکرم حق علی علیه السلام دانند و گویند پیغمبر پیش از رحلت رسماً آن حضرت را در غدیر خم انتخاب فرموده بود و سه خلیفه اول را غاصب می دانستند و پس از علی علیه السلام باولاد او مهرورزیده و بخلافت ایشان گردن نهاده اند . گروهی نیز بنام خوارج حب شیخین یعنی ابوبکر و عمر را و دانسته بغض صهرین یعنی دو داماد پیغمبر علی و عثمان را تجویز نمودند . اهل تسنن و شیعیان در مسائل دیگری نیز اختلاف دارند که در این مقاله نگنجد اهل سنت و جماعت بفرق چندی تقسیم میشوند که اهم آنها عبارتند از :

مذهب حنفی که مو<sup>ه</sup> سس آن امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت است که در سال ۸۰ هجری متولد شده و در سنه ۱۵۰ هجری وفات کرده است معروفترین اثر منسوب به او کتاب الفقه الاکبر است .

مذهب حنبلی بنیان گذار این مذهب امام احمد بن حنبل بن هلال می باشد که در سال ۲۴۱ هجری

در گذشته است .

مذهب شافعی که توسط محمد بن ادریس بن

العباس معروف به امام شافعی بوجود آمد .

و دیگر مذهب مالکی که مو<sup>ه</sup> سس آن امام مالک

بن انس است که در سال ۹۶ هجری در مدینه

تولد یافت و در سنه ۱۷۹ هجری درگذشت

معروفترین اثر او کتاب الموطأ است .

معروفترین فرق شیعه عبارتند از :

۱ - فرقه شیعه اثنی عشریه که بوصایت بسلا

فصل حضرت علی بن ابیطالب و یازده فرزند

آن حضرت معتقدند .

۲ - کیسانیه بیروان ابن حنیفه محمد بن علی که

شخصی دانشمند و زاهد و متقی بود و آنها ابن

حنیفه را پس از علی علیه السلام امام برحق

میدانند .

۳ - زیدیه اینان پس از رحلت علی بن الحسین

معروف به زین العابدین امامت را حق زید بن

علی دانستند و هنوز نیز زیدیه در یمن باقیند و از

جمله زیدیان حسن بن زید علوی ملقب بداعی

کبیر است که در قرن سوم هجری بر مازندران

مسلط شد و اهالی آنجا را بمذهب زیدیه دعوت

نمود و تا آغاز عصر صفوی مردم آن دیار بر مذهب

زیدیه باقی بودند .

۴ - اسمعیلیه گروهی از شیعیان پس از رحلت

امام جعفر صادق فرزندش اسمعیل را امام بر

حق دانستند و گفتند او زنده و جاوید است و هرگز

نخواهد مرد این فرقه نیز بفرق دیگری تقسیم



جمعی از جوانان شرکت کننده در کلاس نظم بدیع متشکله در رضائیه بسپرپرستی سرکارخانم جزائری

## آهنگ بدیع

موقعیت تاریخی نسل حاضر (بقیه از صفحه ۳۴۹)

حاضر است . از میان افتشاشات و بی نظمی ها و از میان عواملی که عالم بشر را در جهت انهدام و اضمحلال پیش میبرند صورت واقعی و نهائی جامعه انسانی بد شواری و آرای بدیدار میگردد گوئی بشریت به مرحله بلسوغ وارد میشود

### تاریخ دیانت اسلام ( بقیه از صفحه ۳۷۶ )

می شود مانند بهره ها ، درزی ها و آقاخانی ها . فرق دیگری چون مغیریه ، ناووسیه ، شعطیه ، فطحیه و واقفیه در جامعه شیعه بوجود آمده اند که ذکر عقایدشان خارج از حوصله این مقال است . برای کسب آگاهی بیشتر در خصوص فرق اسلامی از نظر فقهی عقاید فلسفی و دینی و بخصوص فرق عدیده ، تصوف و عرفان باید بکتبی که در این باره نوشته شده مراجعه کرد .

خاتمه  
~~~~~

طلوع شمس احمدی از افق حجاز و ظهور دیانت و مدنیت اسلامی در اوائل قرن هفتم میلادی از - عربستان مسیر تاریخ انسانی را عوض نمود و در ظل مکتب خویش فلاسفه ، نوابغ ، پزشکان ، نویسندگان و دانشمندان بوجود آورد که از مفاخر جهان بشری گشته در علوم و صنایع آثاری جاودان از خویش بیادگار گذاردند مطالعه اجمالی در اوضاع زندگانی اقوام صحرائین عرب در عصر جاهلیت و سیرد تاریخ تمدن اسلامی این حقیقت را آشکار میسازد که کلمه الله بشأنی نافذ و نباض و خلاق است که ممتی از اعراب بادیه پیما را سرور جهانیان مینماید و مدنیت های عظیمه معاصر را که آلوده به خود پرستی و فساد و تباهی است نابود میسازد و بدیار فنا میفرستد . میتوان گفت که تمدن امروزه غرب زاده تمدن حقیقی اسلام در شرق و مدنیت اروپائیان دنباله مدنیت عظیمه ایست که دیانت مقدس اسلام قرنهای پیش در دنیای عصر خویش بوجود آورد . پایان

نامه ای از جناب ابوالفضائل (بقیه از صفحه ۳۶۸)

ضمیر آنان با خبر است اوست علام الغیوب . لوحی گرانبه از حضرت عبدالبها\* به افتخار آن جناب در بسورت سعید واصل گشت که اینک همراه این نامه ارسال می شود تا ملایه روشنی چشم و سرور قلب و اهتزاز روح شما گردد و بدان تائید و توفیق الهی دو چندان نصیبتان شود . . . . . وعلیک التحیه والثناء\* والتکبیر والبهاء\* .

بتاریخ ۲۸ اکبر سال ۱۹۰۰ - ابوالفضائل

(۳۷۸)

# قیصتِ نوجوانان

مطالب این قسمت :

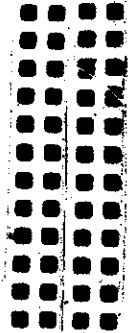
آثار مبارکه . خوش بینی و تاثیر مهم  
آن در زندگی . ستایش آفریدگان  
این شخصیت کبیرت ؟ . مسابقه  
عکاسی . خیمه پیکرنگ . فرازونشیب  
چند قطعه از سفرنامه . جدول  
کلمات متقاطع . سوال و جواب .



حضرت بهاء الله می فرمایند

... تصور دار کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان بر آستی و داناتی تربیت  
شوند که بسبب بصیرت خود و بینندگان شوند ...  
... برای آنکه قلب به ارحمت نماید و بر زندگی انسان بیفزاید و ناس بر آری  
و در مسیری خواهد بود ...  
... در این دنیا است حقیقت نیستی است بصورت هستی آراسته دل باور کنید  
و از هر دو کار خود مکتبید و باشد از خلقت کنندگان ...  
... بگوای مردمان دست بخشش زردانی آب زندگانی بیدار بستانید و بنوشید  
هر که امروز زنده شد هرگز نمیرد و هر که امروز مرد هرگز زندگی نیابد ...

## خوش بینی تاثیر مهم آن در زندگی



روح خوش بینی سرمایه برارزش است . هنگامیکه افسرده و آزرده ایم ملاقات کسی که وجودش سرشار از شادی و امید است چقدر آرامش بخش و تسکین دهنده است .

خوش بینی مانند شجاعت درد یگران مؤثر است . درباره ویلیام بیت میگویند :  
ممکن نبود کسی با او دی بنشیند و تحت تاثیر شجاعت وی باکی او احساس قدرت و شهامت نکند  
همچنین است همفشاری کسی که وجودش سرشار از روح حیات بخش اطمینان و امید است و شما  
بی شک در دل از حضورش احساس سرور و شادی میکنید .

همه ما متأثر از خوبیها و بدیهای یکدیگر هستیم . چه بسا اشخاص ملال آوری که بسا  
داستانهای غم انگیز و کسل کننده و بیش بینی های حزن انگیز خود سردی و برودت یأس را بجای  
شور و حرارت زندگی در دلها می نشانند .

در مقابل افرادی هستند که همچون دلیل راه در شب ظلمانی و موقع خطر مایه امید  
و خوشحالینند . اینها نه خود از چیزی باک دارند و نه به دیگران اجازه میدهند که از چیزی  
بیم و هراس داشته باشند و جای تعجب نیست اگر مردم هنگام بیماری و گرفتاری و هجوم غم و  
سختی طبیعا بدیشان روی می آورند و دست به دامنشان میزنند .

شخص خوش بین کسی است که همواره خوب و بد زندگی را می سنجد بدبین راه  
رارد میکند و خوشبین موانع را از پیش پای بر میدارد .

جان بانیان John Bunyan نویسنده بزرگ مذهبی همیشه به عقیده و فکر خود  
اشاره میکرد که : ما همه به تناسب حال و خلق و خوئی که داریم گاهی نوای شادی بر میا و ریسم  
و زمانی از غم می نالیم اما در این دنیا کسانی هستند که گوئی جز بدی چیزی نمی بینند و جز آهنگ  
یأس بر نمی آورند . اگر انسان گاهی از اوقات احساس دل تنگی و غم نماید طبیعی است و لکن  
بسیار دور از عقل بلکه خطرناک است اگر کسی اجازه دهد افکار سیاه بر او چیره شود و منفی بافی  
و هر چیزی را زشت دیدن عادت ثانوی او گردد . چه این در حقیقت پشت کردن به زندگی  
و مواهب آن است . خوب است به این نکات توجه کنیم :

اولا ما همراه با امید بد دنیا آمده ایم و امید از جمله مواهب ارزنده ای است که به ما  
ارزانی شده . امید غریزه ای است که مثل عشق به زندگی در قلب هر انسان خانه دارد و ما را

## آهنگ بدیع

در کارزار زندگی یار و یاور و کمک و پشتیبان است . یا خشکیدن چشمه ذوق و شور زندگی مسا تبدیل به مردگان متحرکی می‌شوم که فقط نیمی از وجودمان زنده است .

ثانیا . آنگاه که امید خود را از دست بدیم در حقیقت قوی‌ترین محرك و نیروئی را که برای انجام امور در اختیار داریم از کف داده ایم . مرد غمگین و افسرده ای را بیاد می‌آورم که با تابش بارقه امیدی نو در دلش افسردگی و سستی پیشین را به کاری گذاشت و بر خلاف انتظار دیگران آن چنان قدرت و حرارت و نشاط پیشین را باز یافت که همگان را به تعجب واداشت .

انجیل می‌گوید " ما همه به امید زنده ایم " و این گفته به معنی واقعی کلمه صادق است . تاریخ بهترین شاهد این مدعاست و از خلال شواهد و امثله بسیار به این حقیقت پی می‌بریم که ملتی که امیدوار است از عهده انجام هرکاری بر می‌آید .

تأثیر گفتار امید بخش

هنگامی که فرانسه سقوط کرد و انگلستان در مقابل یکی از بیرحم‌ترین ارتشهای تاریخ یعنی ارتش المان یکه و تنها وی یاور ماند کلمات پر شور و اطمینان بخش سر وینستون چرچیل - سیاستمدار بزرگ سپاهیان را تحت تأثیر قرار داده بکلی تقلیب کرد .

او گفت :

بیائید از دل و جان ذرات وجود خود را آن چنان با هدف خویش بیامیزیم که اگر امپراطوری بریتانیا هزاران هزار سال دیگر بایید مردم همچنان بگویند : این شیرین‌ترین ساعت زندگی آنها بود . " و بی‌کمک چنین کلمات تکان دهنده ای که موحد امید شد انسان از تصور آنچه ممکن بود پیش بنیاید برخوردار می‌گردد بلی این معجزه امید است .

فرشته امید که از دلی بیرون رود دیوترسو مرگ در آن راه نیابد و نگهبان شهادت از پای در آید و بیک زندگی از او بگریزد . امید که بود هر چیزی ممکن است و از این نظر است که روح امیدوار و فکر خوشبین باید همواره مورد تحسین و تشویق و توجه قرار گیرد و در انتشار هر چه بیشتر آن کوشش شود . بی پرسید چگونه ؟

از طریق بسیار ساده " اندیشیدن به مطالب امید بخش "

چه ماهمه پرورده افکار خوشبختیم .

### سقایش آفریدگان

د روی زمین مخرای وتویی روح زمین شگفتاکه ترانعی شناسد  
با آنکه با شکوفه هایش ترای ستاید .  
بر فراز آفتاب ایستاده ای وتویی روح آفتاب شگفتاکه ترانعی شناسد  
با آنکه با انوارش ترا میستاید .  
به همراه نسیم می وزی وتویی روح نسیم شگفتاکه ترانعی شناسد  
با آنکه با زمزه اش ترا میستاید .  
از روی آب میگذری وتویی روح آب شگفتاکه ترانعی شناسد  
با آنکه با خرووشش ترا میستاید .  
در قلب آدمی آشیانه داری وتویی روح محبت قلبی ترای شناسد  
که عاشقانه ترای ستاید .

فریدریش روکرت شاعر آلمانی ۱۸۶۶ - ۱۷۸۸ میلادی

# شخصیت کیست

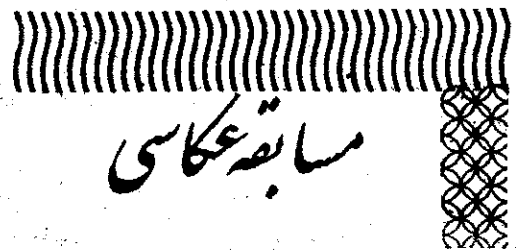


” فی الحقیقه بوجود شما افتخار مینمایم  
بشما نزدیکتر میشوم و روح عظیمی را که  
مشوق شما در این اقدامات جمیله است  
بیش از پیش تحسین و تمجید مینمایم ”

مخاطب این بیان مبارک حضرت ولی امرالله یکی از حارسان مدنیت حضرت  
بها\* الله است که بعزت تبرعات کریمانه اش بارها مورد عنایت حضرت ولی  
امرالله قرار گرفته و در مدت حیات ناسوتی خویش به خدمات عظیمه موفیق  
گردیده است . مرقد میسینجی ماکسول را در امریکای جنوبی بنانموده است  
باب عظیمی در حرم اقدس حضرت بها\* الله بنام اوست .  
تبرعات کریمانه او در دنیای مقام اعلی و تزئین محفظه آثار بین الملی مصرف شده  
است .

زمین مشرق الاذکار حیفاً را ابتیاع نموده است .  
مدت بیست و پنج سال برای خود لباس نخرید . . . در یک اطاق بنهایت  
قناعت و بساطت زیست و تمام همش را مصرف خدمت به هیکل نازنین حضرت  
ولی امرالله نمود .

بدون نفر از کسانی که نام و حد اقل پنج سطر راجع بوقایع  
مهم زندگی این خادم عالیرتبه امر برای مابنویسند بقیسد  
قرعه جایزه تقدیم میشود .



## مسابقه عکاسی

قسمت نوجوانان آهنگ بدیع شروع مسابقه عکاسی خود را اعلام میدارد .  
مهلت شرکت در این مسابقه تا سه ماه بعد از انتشار این شماره آهنگ بدیع است

شرایط مسابقه : هر یک از شرکت کنندگان در مسابقه باید دو نسخه عکس مورد نظر خود را روی کاغذ برقی بقطع دلخواه  
خویش به آدرس ( خیابان فرجهری - خیابان ارباب جمشید - شرکت تونپالان - آقاسی  
شاهقلی ) به کمیسیون نوجوانان آهنگ بدیع ارسال دارند . ( قطع عکس نباید از یک صفحه آهنگ  
بدیع بزرگتر و از ربع صفحه کوچکتر باشد ) . موضوع آن باید حتی المقدور خصوصی نبوده و مناسب  
برای انتشار در آهنگ بدیع باشد . شرکت کنندگان باید نام و نشانی خود و محل عکسبرداری را در  
پشت هر دو قطعه عکس بنویسند و در صورت تمایل مشخصات فنی عکس و نامی را که برای آن انتخاب  
کرده اند نیز ذکر نمایند .

کمیسیون به نفرات اول و دوم این مسابقه جوایزی تقدیم خواهد داشت . ضمن بهترین عکسهای واصله بتدریج در  
قسمت نوجوانان آهنگ بدیع با ذکر نام عکاس منتشر خواهد شد .

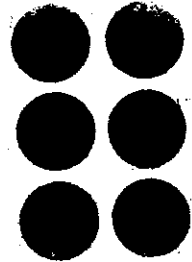
سنگد می خورم  
که تا آخرین نفس  
در این جهان پر آشوب و پر فتن  
امریات بخش بهاء منتشر کنیم  
با گوشش مداوم و بی گیر خویشتن

صمیمانه

تا بجای کینه  
در دل انسان بی پناه  
گلهای مهر و محبت پرورم  
تاسخ و زرد و سفید و سیاه را  
در زیر خیمه بیکرنگ آورم

" سهرس نراقی "

فراروشیب



یکی از موهومات بسیار متداول آن است که میگویند: هر انسانی صفاتی معین و مخصوص بخسود دارد  
یکی مهربان دیگری سنگدل آن یکی عاقل این یکی ابله فلان نیرومند و آن دیگری سست و بی حال  
است.

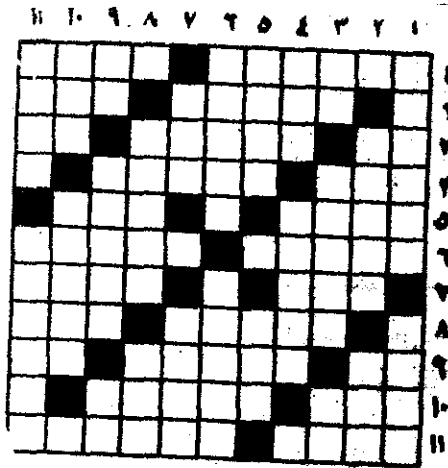
من می گویم آدمیان چنین نیستند . . . .  
انسان چون رودخانه است در حالیکه آب در همه جای رودخانه يك اندازه است ولی هر رودخانه  
در جایی کم عرض در جایی تندگذر در اینجا کند در آنجا پهناور بر ساعتی روشن ساعتی مسرد  
چندی خور و چندی گرم است م آدمیان نیز چنینند .  
هر انسانی با خود جرثومه از صفات بشری را همراه دارد گاهی این گوهر خورش را می نماید و گاهی  
آن را وغالباً آدمی بی شباهت بخود جلوه گرمی شود در حالی که هنوز همان انسان است .

ترجمه از کتاب سرگذشت روانکاوی من  
جان نایست

## حدیث قطعه از سفرنامه «مدایح الامار»

- فرمودند " . . . کفرا نسهای صلح اگر باجرای آنچه میگویند توفیق نیابند مثل آنها مثل می فروشانی است که در حرمت و حضرت شراب با نهمین مهیا و مذاکرات موافقه نمایند اما چون از انجمن بیرون روند باز به می فروشی مشغول شوند و کفای السابق بکار خود پردازند . . . "
- فرمودند " . . . بیان باید به مشرب حضار و اقتضای وقت باشد و حسن عیارت و اعتدال در ادای معانی و کلمات لازم فقط حرف زدن نیست . . . "
- فرمودند " . . . هر امری را ضعیف و مقاومت می توان نمود مگر مقتضای زمان را . . . "
- فرمودند " . . . امیدوارم شماها بمقامی رسید که گفته شود شماها نتیجه ظهور بهاء الله هستید گفته شود این نفوسند مقصد از ظهور بدیع این نفوسند که جواهر وجودند این نفوس نورانی و رحمانیند و ملکوتی و آسمانی اگر نفسی گوید بهاء الله چه کرده گویند این نفوس میا رکه را تربیت فرموده . . . "
- " . . . این عید را در کالسه پهلوی خود خواندند عرض شد طرف دیگر جای نشستن هست . . . "
- فرمودند " بیا همین طرف بنشین من اگر ببینم کسی جاه طلب و خودخواه است محض تربیت او این ملاحظات را دادم والا چه اهمیتی دارد هر کس هر جا بنشیند نشسته این امور بکسی از اهمیت خارج است . . . "

# جدول کلمات متقاطع



افقی :

- ۱ - مردان - لقب یکی از حرفات حی ۲ -
- یکی از عوامل - اریاح جمع آنست ۳ - رطوبت
- داشتن آن موهبتی است - گرسنه ندارد ۴ -
- دردیانت زردشت بسیار مورد احترام بسبود -
- روزیکه گذشت ۵ - غیرممکن - می گویند عصر آن
- سخت سست بنیاد است ۶ - اساس آنها
- بفرموده مبارک یکی است - سازش ۷ - طریق

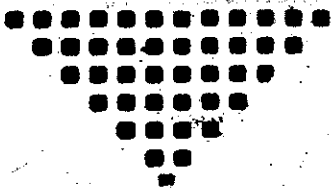
وارونه - از وسائل تجاری ۸ - دعا - از ادات تحذیر ۹ - اپرد - " قل یا طک . . . اسم الغداه من هذا  
الهیکل المبین " - جنس قوی ۱۰ - حافظ خود را ظاہر این گلشن میدانند - مسطح ۱۱ - در امان است  
- اتهامات .

عمودی :

- ۱ - مشرق الاذکار آنجا بزودی ساخته خواهد شد - از فوه همین عصر رسولی ۲ - آخرین شهید دوره میثاق -
- بعضی آنرا بر نیکی ترجیح میدهند ۳ - شیوه آهو - سزاوار - زهر ۴ - دوستی و محبت - بدون شك ۵ -
- بعضی دستورات این طور صادر میشود - يك وسیله بریدن ۶ - مایوس - یکی از نقاطی که محل تشکیک
- کنفرانس بین القارات خواهد بود ۷ - یکی از سازها - روش ۸ - باید کم باشند - همه آنرا دارند ۹ -
- به او میگویند که دیوار بشنود - روزگار - خیس است ولی وارونه شده ۱۰ - پایتختی در اروپا - جمع یکی  
از القاب در انگلستان ۱۱ - ابر - نومی رایبند



# سؤال و جواب



۱- فخر الشهدا لقب کیست؟

جناب بدیع خراسانی حامل لوح مبارک سلطان ایران .

۲- مقصود از لوح زبرجدی چیست؟

کتاب عهد .

۳- مقصود از جن چیست؟

معانی مختلفی دارد که یکی از آنها نفوس است که ایمان و انکارشان مستور و مخفی است .

۴- لوح ناقوس از کیست و در کجا و به افتخار چه کسی نازل شده؟

از حضرت بهاء الله در اسلامبول به افتخار آقا محمدعلی اصفهانی .

۵- رساله چهاروادی در کجا و در جواب چه کسی نازل شده است؟

در سلیمانیه در جواب شیخ عبد الرحمن کرکوی .

۶- در نواحی قطبی که ایام و لیالی طولانی است تعیین اوقات نماز و روزه بچسه

ترتیب است؟

بوسیله ساعت .

۷- برنامه ضیافت هوزده روزه شامل چند قسمت است؟

سه قسمت - روحانی ، اداری و ضیافت .

۸- قبله اهل بهاء کجاست و در چه شهری واقع شده است؟

قبله اهل بهاء روضه مبارکه است که در عکا واقع شده است .

۹- مشرق الاذکار چیست؟

معبد بهائی است که برای ورود و عبادت پیروان ادیان دیگر نیز آزاد است .

|    |    |   |   |   |   |   |    |    |    |    |
|----|----|---|---|---|---|---|----|----|----|----|
| ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴  | ۳  | ۲  | ۱  |
| س  | د  | ق | ر | و | ا | د | ا  | س  | ۳  | ۱  |
| ح  | ی  | ر | ت | ک | د | ل | ک  | ۲  | ۲  | ۲  |
| ا  | ن  | ن | ا | م | ا | ۱ | ۱  | ۳  | ۳  | ۳  |
| ب  | ب  | ز | ر | د | ی | د | ش  | ۴  | ۴  | ۴  |
| ل  | ۲  | ۱ | ۱ | د | ا | ل | ۵  | ۵  | ۵  | ۵  |
| ا  | ر  | ا | د | ۲ | ن | ۱ | ۶  | ۶  | ۶  | ۶  |
| ه  | ن  | ر | ن | و | ۷ | ۱ | ۷  | ۷  | ۷  | ۷  |
| ا  | ن  | ۵ | ۱ | ش | ۱ | ۱ | ۸  | ۸  | ۸  | ۸  |
| ن  | ن  | ن | ی | ل | ۱ | ۱ | ۹  | ۹  | ۹  | ۹  |
| ب  | ۱  | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| ا  | ۵  | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ |

جواب جدول کلمات متقاطع